

فراخوان شرکت در آکسیونهای روز ۲۰ ژوئن روز آزادی

تمام زندانیان سیاسی!

کمیته خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران

صفحه ۱۱



چپ، راست و جنبش سرنگونی

حمید تقوایی:

صفحه ۵

تحركات بازنشستگان در این هفته

شهلا دانشفر

صفحه ۳

اعتراضات تحول ساز معلمان و بازنشستگان

شهلا دانشفر

صفحه ۴

۲۶ خرداد: تجمعات سراسری بزرگ معلمان

معلم زندانی آزاد باید گردد

صفحه ۸

دستگیری و بازداشت معلمان محکوم است!

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی

صفحه ۹

اعلان جنگ رو در رو با مردم توسط حکومت

هادی وقفی

صفحه ۱۰

معلمان زندانی باید فوری و بدون قید و شرط آزاد شوند

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

صفحه ۱۱

در حمایت از ۲۰ ژوئن روز جهانی حمایت از زندانیان سیاسی در ایران

واله زمانی چهره محبوب کارگری دستگیر شد

جان واله در خطر است

کمپین برای آزادی کارگران زندانی این روز را گرامی میدارد

صفحه ۱۳ و ۱۲

اطلاعیه های حزب کمونیست کارگری ایران

صفحات ۱۵ و ۱۴

به مردم ایران در داخل کشور

به حزب کمونیست کارگری و کانال جدید کمک کنید

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

انترناسیونال شماره ۹۷۷

جمعه ۲۷ خرداد ۱۴۰۱ - ۱۷ ژوئن ۲۰۲۲

گرانی یعنی گرسنگی، یعنی بیماری، یعنی مرگ

کاظم نیکخواه

اینها نرخ تورم واقعی به ارقام سه رقمی رسیده است.

اقتصاد جمهوری اسلامی به بن بست و فلج کامل رسیده و بار بحران لاعلاج آن بر دوش مردم انداخته میشود و دارد کمر مردم زحمتکش و کارگر را خرد میکند. این اقتصاد از تورم و رکود همزمان رنج میبرد. تولیدات به میزان بالایی خوابیده است. روال معمول واردات به بن بست رسیده و با سیستم قاچاق قیمتها نجومی بالا میروند. این یعنی چندین مرض همزمان که راه علاجی در این حکومت ندارد. در این حکومت قاچاق یک جزء جدایی ناپذیر اقتصاد است. باندهای حکومتی از پاسداران و اقا زاده ها و وابستگان حکومتی در راس کسب و کار قاچاق قرار دارند و نه فقط از رانتهای عظیم دولتی استفاده میکنند، بلکه از بنادر و مراکز و تجهیزات و امکانات دولتی برای قاچاق کالاها و حتی قاچاق مواد مخدر استفاده میکنند.

دست اندرکاران حکومت اسلامی نه اراده تخفیف فشار اقتصادی بر کرده مردم را دارند و نه در خزانه دولتشان چیزی باقی مانده است که حتی اگر بفرض

ادامه در صفحه ۲

گرانی در ایران دارد زندگی ها را نابود میکند و میکشد. قیمتها به نحوی نجومی بالا میروند. نان و برنج و لبنیات و مرغ و تخم مرغ و همه چیز هر روز چند درصد افزایش می یابد و تهیه ساده ترین معاش را هم برای بخشهای زیادی از مردم با مشکل و مشقت فراینده همراه کرده است. توان خرید کارگران و معلمان و بازنشستگان حتی از حد همان تامین زندگی زیر خط فقر نیز پایین تر میروند و هر روز کاهش بیشتری می یابد. افزایش نجومی اجاره بها و قیمت مسکن باعث شده است که بخشهای زیادی از مردم حتی امکان اجاره یک اتاق و خانه فقیرانه را نیز از دست بدهند و در نتیجه زاغه نشینی و خانه خرابی و کارتون خوابی افزایش چشمگیری یافته است.

نرخ تورم در سال گذشته بیش از ۴۰ درصد اعلام شد. اما حتی بانک مرکزی از تورمی بسیار بالاتر از این میزان و نزدیک به ۷۰ درصد و در مورد بسیاری از اقلام حتی بالای صد در صد خبر میدهد. با ادامه تحریمها و بن بست برجام تحریمها نیز بر قیمتها تاثیر مخربی گذاشته است و فشار سنگین تری را بر کرده مردم وارد میکند. با توجه به همه



گرانی یعنی گرسنگی، یعنی بیماری، یعنی مرگ

کاظم نیکخواه

اقتصادی ناباب و نامناسب است و فقط با سلیقه و مصلحت دزدان و سرمایه داران بنا شده است. این را باید ویران کرد و ثروتهای اجتماعی را در اختیار خود مردم گذاشت. فرصتها و امکانات را باید به همه شهروندان داد. اختیارات سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری و تصمیم‌گیری را باید از این‌الیت از خود متشکر بی‌خاصیت صاحب سرمایه گرفت. این یعنی باید یک جامعه آزاد و انسانی و برابر و مبتنی بر سیستم شورایی و دخالتگری عمومی را پایه‌ریزی کرد. جامعه به این نیاز حیاتی دارد. مردم برای دفاع از معیشت و زندگی‌شان به فراتر رفتن از این روال سنتی‌ای که در خدمت مفتخوران بوده است، مثل نان شب نیاز دارند. اقتصاد و سیاست و اجتماع را باید با تصمیم‌گیری و دخالتگری حداکثری سازمان داد. نه بر اساس دیکتاتوری و شاه و ولی فقیه و حکومت‌های تک نفره و از بالای سر مردم. این گام اساسی برای خلاصی از این اوضاع فلاکت‌بار اقتصادی و سیاسی حاکم بر این کشور است.

مردم محروم و زحمتکش، معیشت و منزلت و برابری و آزادی و رفاه می‌خواهند. میدانند که باید از شر حقوق‌های نجومی و املاک نجومی و مفتخوریهای نجومی خلاص شد تا بشود از فلاکت و فقر و فاجعه و بیماری‌های یافت. این معادله‌ای

اینجا بحث در مورد اقتصاد و رفاهیات است. نمیشود به مافیای سرمایه داری و دزدان نجومی کاری نداشت و زندگی مردم را از نظر رفاهی بهبود بخشید. این بنا و این ساختمان اقتصادی ناباب و نامناسب است و فقط با سلیقه و مصلحت دزدان و سرمایه داران بنا شده است. این را باید ویران کرد و ثروتهای اجتماعی را در اختیار خود مردم گذاشت. فرصتها و امکانات را باید به همه شهروندان داد. اختیارات سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری و تصمیم‌گیری را باید از این‌الیت از خود متشکر بی‌خاصیت صاحب سرمایه گرفت. این یعنی باید یک جامعه آزاد و انسانی و برابر و مبتنی بر سیستم شورایی و دخالتگری عمومی را پایه‌ریزی کرد.

ساده و روشن است. جایی که دزدی و چپاول هست، فقر و مسکنت هم هست. نمیشود یک گوشه را درست کرد و گوشه دیگر را دست نزد.

اینجا بحث در مورد اقتصاد و رفاهیات است. نمیشود به مافیای سرمایه داری و دزدان نجومی کاری نداشت و زندگی مردم را از نظر رفاهی بهبود بخشید. این بنا و این ساختمان

علیه بی‌آبی و نابودی زندگی و معیشت‌شان، نشان میدهد که جامعه دیگر تحمل این وضعیت فاجعه‌بار را ندارد. نه فقط بازنشسته و کارگر و معلم، بلکه همه مردم در ابعاد بسیار وسیع به این قناعت رسیده‌اند که باید خود را از شر حکومت اسلامی خلاص کنند. اعتراض به گرانی و حقوق‌های زیر خط فقر شاید زمانی به امید بهبود حقوقها بود، اما امروز با چشم انداز عقب‌راندن حکومت در همه زمینه‌هاست و با شعارهای تند ضد حکومتی همراه است. فکر

نمیکم کسی امیدی به یک ذره بهبود اوضاع تحت حکومت اسلامی داشته باشد. همه میدانند که فساد و دزدی و چپاول و وجود باندهای حریص مافیائی، این حکومت را به یک نیروی عمیقاً مخرب و نابودکننده زندگی تبدیل کرده است. این حکومت را باید نابود کرد. باید سرنگون کرد. باید کل سیستم سیاسی و نظامی و اداری و اقتصادی را بهم ریخت و همه چیز را از نو ساخت.

جریاناتی که هنوز در تقلائی حفظ گوشه‌هایی از این سیستم بدون آخوند یا بدون ولی فقیه و امثال اینها هستند، در واقع دارند از این نظام ضد انسانی شرمگینانه دفاع میکنند. اینها تنها باعث هدر رفتن انرژی اجتماعی میشوند. کارگران و معلمان و بازنشستگان و همه

زیادی از مردم دسترسی جلدی به دکتر و دارو نداشته باشند. و این خود میزان تلفات و قربانی شدن در اثر بیماریها را بشدت افزایش میدهد. نتیجه اینکه فقر به معنای گرسنگی و بیماری و مرگ و قربانی شدن مردم است. چه بسیار کودکان و زنان و مردان و پیران و جوانانی که به دلیل عدم دسترسی به درمان با ساده‌ترین بیماریها جانانشان را از دست میدهند.

جمهوری اسلامی دارد به اشکال و شیوه‌های مختلف

زندگی مردم را نابود میکند. جدا از جنایات مستقیم و اعدام‌های هر روزه و شلیک مستقیم اوپاشان مسلح به کولبران و شهروندان در شرایط مختلف، این حکومت با نابودی و تاراج اقتصاد نیز دارد هر لحظه و هر روز در ابعاد وسیع جنایت میکند. مشکل اصلی اقتصاد و نان و معیشت مردم در ایران، حکومت اسلامی و سیاست‌های آنست. تا این حکومت هست بحران و تورم و رکود و گرانی هم هست. تا این حکومت هست فقر مدام گسترش بیشتری می‌باید و زندگی مردم هر روز به اشکال مختلف نابود میشود. این وضعیت قابل دوام و قابل تحمل نیست. فریاد هر روزه بازنشستگان از فقر و فساد و اختلاس، اعتراضات هر روزه کارگران در برابر حقوق‌های زیر خط فقر، و خروش کشاورزان

از صفحه ۱
محال بخواهند بتوانند هزینه مردم و خدمات عمومی کنند. باندهای مافیائی هر کدام سهم خود را می‌برند و به خودیهایشان هم جوابگو نیستند.

این اوضاع برای مردم به معنای فاجعه پشت فاجعه است. فقر غذایی اکنون گریبان بخشهای زیادی از مردم را گرفته است. تهیه نان و پنیر و تخم مرغ و امثال اینها که ساده‌ترین و ارزاترین غذاها محسوب میشوند، برای بسیاری از خانواده‌های کارگری و زحمتکش ساده نیست. عملاً سفره مردم هر روز فقیرانه‌تر میشود و به تبع آن روی آوری به کالاهای بنجل و غیر استاندارد گسترش می‌یابد. این وضعیت غذایی همراه با دسترسی محدود به امکانات بهداشتی و زیستی و همچنین وضعیت شغلی و زیستی نامناسب، اقشار محروم جامعه را در معرض انواع بیماریها قرار داده است. به همه اینها باید نابودی محیط زیست توسط باند مافیائی حاکم را نیز اضافه کرد که آب و هوا و جنگلها و کل محیط زیست را با تاراج هر روزه به نابودی کشیده است و محیط زندگی را برای گسترش بیماریها آماده‌تر نموده است.

نابودی و آلودگی هوا و آب و کل محیط زیست توسط مافیای اسلامی، منشاء بیماریها و نارساییهای بسیاری برای مردم شده است. گسترش انواع بیماریهای مهلک در ایران بویژه در میان اقشار زحمتکش و فقیر بسیار واضح و آشکار است.

تازه این هنوز تمام مشکل نیست. هزینه سنگین و کمر شکن دارو و درمان را نیز باید به این مشکلات اضافه کرد. هزینه درمان باعث میشود که بخش



یک دنیای بهتر

برنامه حزب کمونیست کارگری



تحركات بازنشستگان در این هفته

شهلا دانشفر

کنار رفت کار تمام است. بلکه اعتراضات بازنشستگان یک مقابله قاطعانه در مقابل یک تعرض تدارک دیده از جانب دولت بود و ایستادند و گفتند که اجازه نمیدهیم که معیشت و زندگی ما را بیش از این مورد چپاول قرار دهید. در عین حال آنها خواستههای خود را بارها اعلام کرده اند و با خواست افزایش حقوقها به بالای خط فقر تاکیدشان این بوده که اگر خط فقر شانزده میلیون است حقوق آنها نیز باید به همان میزان افزایش یافته و تناسبی با نرخ واقعی هزینه های معیشتی داشته باشد. همچنین درمان رایگان و پرداخت دیون دولت به صندوق های بازنشستگی که بخشی از اختلاسگری های حکومتیان است از دیگر مطالبات فوری آنها بوده است. و بازنشستگان با شعار فقط کف خیابان بدست میاد حقمون اعتراضاتشان را به پیش برده و پیامشان به حکومتیان این بوده که نمیشود مبارزات آنها را بدنال این جناح و آن جناح کشید و سازش پذیر نیستند. بلکه مطالبه گردند و پیگیر حق و حقوقشان هستند.

و اما بازتاب دیگر اعتراضات قدرتمند معلمان در میان حکومتیان اولتیماتوم ۴۸ ساعته مجلس اسلامی به دولت بود که اعلام کرد که اگر مصوبه مربوط به افزایش ده درصد حقوقها لغو نشود موضوع را به صحن علنی مباحث خود خواهند آورد. بدین ترتیب مجلس که خود مرکز تصویب ضد انسانی ترین قوانین علیه کل جامعه است،

در صفحه ۴

آنچنان فشاری به حاکمیت وارد کردند که دولت سراسیمه به تقلا افتاد و وزیر کار نیز ناگزیر به استعفاء شد. رئیسی نیز که فریاد رسای شعارهای مردمی علیه خود را در اعتراضات علیه سونامی گرانی و در اعتراضات قدرتمند این هفته بازنشستگان شنیده است، برای خواباندن قال قضیه فوراً موافقت کرد. استعفای وزیر کرد دولت رئیسی بیانگر قدرت مبارزه کارگران و بازنشستگان و همه ماست که این ها را زیر فشار وادار به عقب نشینی کرده ایم. مهم اینست که استعفای وزیر کار، به عملی شدن خواستههای کارگران و بازنشستگان بینجامد و این را هم باید تحمیل کرد. در عین حال بازنشستگان با هوشیاری کامل و با گفتن اینکه وزیر عوض نکنید، دوره این فریبکاریها گذشته، اولتیماتوم داده اند که اگر مصوبه افزایش تحقیر آمیز ده درصدی حقوقها لغو نشود و خواستههایشان جواب نگیرد، اعتراضاتی برپا خواهند کرد که در تاریخ بیسابقه باشد.

بازنشستگان در اعتراضاتشان فقط علیه وزیر کار شعارندادند. بلکه فریاد زدند و گفتند مرگ بر رئیسی. گفتند نه مجلس، نه دولت نیستند به فکر مردم و گفتند نه غزه، نه لبنان، ستمدیده همین جاست. و با شعارهایشان کل سیستم فقر و فلاکت و چپاول حاکم را به چالش کشیدند. بنابراین روشن است که مساله اصلی آنها صرفاً این نیست که مصوبه شورایی کار اجرا شود و یا اینکه وزیر کار

جامعه ای شاد و انسانی حلقه اتصال همه جنبش های اجتماعی در سطح جامعه و وصل شدن آنها به اعتراضات کف خیابانی است. و امروز ما شاهد این هستیم که جنبش های اجتماعی و در راس آنها جنبش کارگری از جمله جنبش بازنشستگان و معلمان با خواستههای رادیکال، چپ و سراسری و در بدلی سازمانیافته و گسترده میروند تا در کف خیابان به محل پیوستن بخش دیگر جامعه به اعتراضات و شکل گیری اعتراضات وسیع توده ای تبدیل شوند و این روند در واقع دارد سازمانیافتگی و مضمون چپ و رادیکال انقلابی که در پیش است را رقم میزند.

به عبارتی این اتفاق بطور واقعی روند شکل گیری یک انقلاب و قیامهایی شهری مردمی است که میتوان گفت که جامعه بسوی آن در حرکت است و ما شاهد تغییری کیفی و امید بخش در سیر تحولات سیاسی جامعه هستیم. از جمله مردم در اعتراضات همین امروزشان هم کل سیستم توحش و بربریت حاکم را به چالش میکشند و هم با خواستههایی چپ و رادیکال و انسانی و تاکید بر داشتن حق رفاه و جلو کشیدن مطالباتی چون تحصیل رایگان، درمان رایگان و رفع تبعیض ها و برچیده شدن حقوقهای نجومی دارند تصویری از جامعه آینده را بدست میدهند.

این پیشروی ها را حکومت نیز به روشنی می بیند و هراس از این اوضاع خواب از چشمانشان را روبرو است. یک نمونه بارز آن بازتاب اعتراضات عظیم و قدرتمند بازنشستگان در حاکمیت است.

اعتراضات بازنشستگان و

بازتاب آن در صفوف

حکومت

بازنشستگان با مبارزاتشان

نیروهای سرکوبگر مردم زیادی به جمعیت بازنشستگان پیوستند. بعد از بیست و دوم خرداد نیز تجمعات و راهپیمایی های بازنشستگان در شهرهای مختلف ادامه یافت و از جمله در روز ۲۵ خرداد ما شاهد راهپیمایی ای تاریخی از سوی باننشستگان تامین اجتماعی با شرکت بیش از دو هزار نفر در شهر اهواز بودیم که مارش عظیم آنها در خیابانها و فریاد شعارهایشان بسیار شور انگیز بود و کل شهر را به تحرک درآورده بود. بدین ترتیب در این فاصله چندین هزار بازنشسته به خیابانها آمده و فضای اعتراض در شهرها را رقم زدند.

اعتراضات بازنشستگان در کنار آن معلمان که در بیست و ششم خرداد یکی دیگر از تجمعات سراسری خود را برگزار کردند و اعتراضات بخش های مختلف کارگری کیفیت جدیدی به اعتراضات در سطح جامعه داده است. این اعتراضات خود زمینه ساز خیزش های مردمی علیه سونامی گرانی بود که در نیمه اردیبهشت آغاز شد و بعد نیز بموازات تظاهرات های شبانه مردمی در شهرهای مختلف با فریاد مرگ بر دیکتاتور و بعد از فاجعه فروری سازی ساختمان متروپیل و به پا خاستن مردم آبادان و به حرکت در آمدن شهرهای دیگر در همستگی با آن، به حرکت خود ادامه داد و بازتاب این اوضاع را در تعرضی تر شدن اعتراضات و شعارهای کوبنده بازنشستگان به روشنی می بینیم. این اتفاقات کیفیت جدیدی به اعتراضات بازنشستگان و جایگاه و مکان جنبش های اجتماعی در اوضاع سیاسی امروز داده است.

در این اوضاع و احوال خواست سرنگونی و برپایی

اعتراض بازنشستگان مثل همه مردم به فقر و بی تاملی، به تبعیض ها و نابرابری ها، به اختلاسها و دزدیها، به سرکوبگریها و جنایات هر روزه حکومت و به کل بساط سرمایه داری مافیایی حاکم است که خود را در شعار های اعتراضی آنها علیه رده ههای مختلف مسئولین حکومتی و مرگ بر رئیسی دارد بیان میکند. و اینها همه حلقه اتصال اعتراضات آنها با معلمان، با بخش های مختلف کارگری و کل جامعه است. مصوبه افزایش ده درصدی حقوق بازنشستگان در پانزدهم خرداد ماه در هیات وزیران در واقع آتشی زد به خشم و نفرت بازنشستگان در شرایطی که گرانی بیداد میکند و زیر فشار فقر و بی تاملی، زندگی و معیشتشان دارد به تباهی میرود. از همین رو بازنشستگان از روز شانزدهم خرداد ماه در اعتراض به این مصوبه و پاسخ نگرفن خواستها و مطالباتی که چندین سال است بخاطرش تجمع و اعتراض داشته اند، به خیابانها آمدند و دامنه اعتراضاتشان هر روز شهرهای بیشتری را گرفت. تا اینکه آنها تجمعات سراسری ۲۲ خرداد را فراخواندند و در آن روز بیش از سی شهر به این فراخوان پیوستند و تجمعاتی بزرگ و تعرضی در شهرهای مختلف برپا کردند. شعارهای بازنشستگان در این تجمعات مستقیماً علیه مسئولین حکومت بود. در این تجمعات آنها وزیر کار را به استیضاح کشیدند و شعار مرگ بر رئیسی سر دادند. بویژه اینکه اعتراض بازنشستگان در شهرهای متعددی مثل تبریز، اهواز، اراک، شوش، شوشتر و... از شکل تجمع فراتر رفت و شکل راهپیمایی بخود گرفت و شعارهای کوبنده بازنشستگان بر فضای خیابان های شهرهای مختلفی طنین انداخت. از جمله در تبریز علیرغم مقابله

اعتراضات تحول ساز معلمان و بازنشستگان

شهلا دانشفر

تجمعات ۲۶ خرداد پاسخ معلمان به سرکوبگریها

جدالی سخت میان معلمان و حاکمیت در جریان است. و این بخشی از جدال همه مردم با این حکومت است. معلمان صدای اعتراض مردم علیه سونامی گرانی و برنامه موسوم به جراحی اقتصادی حکومتند. معلمان صدای اعتراض علیه تبعیض و نابرابری و اختلاسهای حکومتند. معلمان فریاد "معیشت، منزلت، حق مسلم ماست" هستند. معلمان مدافع حق کودکان از برخورداری از تحصیل رایگان و آموزش شاد، انسانی و غیر ایدئولوژیک هستند. این صدایی است که به سهم خود دارد سیر تحولات سیاسی در ایران را رقم میزند. این صدایی است که بدنبال سالها تلاش و مبارزه، در یکساله اخیر با قدرت بیشتری به میدان آمده و به مرکز توجه کل جامعه تبدیل شده و انعکاسی جهانی پیدا کرده است. در جدال با این صدای رسای آزادی خواهی و برابری طلبی است که جمهوری اسلامی با سرکوب و دستگیری و با پرونده سازی و سناریو سازی های ابلهانه تحت عنوان همکاری با جاسوسان تلاش میکند این صدا را تضعیف کند و عقب بزند. از جمله در تجمعات روزیست و شش خرداد ۳۶ معلم بازداشت شدند. از قبل نیز ۲۴ نفر در بازداشت بودند و این ابعاد از دستگیری و تهدید و فشار بر روی معلمان بیش از هر چیز ترس و هراس جمهوری اسلامی را از این اعتراضات به نمایش میگذارد.

اما معلمان ایستاده اند و کوتاه نمی آیند. تجمعات ۲۶ خرداد معلمان علیرغم ایجاد فضای امنیتی در شهرها و بازداشتها و دستگیریها در بیست و شش شهر برگزار شد و پاسخی محکم به سرکوبگریهای حکومت و تاکید بر خواستههایشان بود. یک شعار کلیدی و سراسری معلمان در این روز شعار معلم زندانی آزاد باید گردد بود. معلمان در این تجمعات با شعارهای دیگری چون "حسین، حسین، شعارشون، دروغ و دزدی کارشان"، "تورم گرانی بلای جان مردم"، "زندانی سیاسی آزاد باید گردد"، و "معیشت، منزلت، حق مسلم ماست" خواستههایشان را فریاد زدند و بر تداوم مبارزاتشان پای فشردند. راهپیمایی معلمان در شهرهایی با این شعارها، در کنار یک هفته اعتراض پرخروش بازنشستگان کیفیت جدیدی به اعتراضات مردمی علیه جهنم جمهوری اسلامی و برای داشتن یک زندگی انسانی داده است. قاطعانه درکنار معلمان بایستیم و با قدرت مبارزاتمان معلمان زندانی و تمامی زندانیان را از زندان رها کنیم.



هم به بازنشسته بدهید. اما ما چند کیلو نخود و لوبیا و اقلامی از این دست را نمی پذیریم و صدقه نمیخواهیم بسته حمایت پیشکش خودتان. محدود است در کف خیابان نیز بازنشستگان با شعارهای بسته های حمایتی نمیخوایم، نمیخوایم، صدقه نمیخوایم، حق و حقوقمان را میخوایم محکم ایستاده و بر تداوم مبارزاتشان تاکید کردند. بدینگونه است که بازنشستگان با مبارزاتشان متحد و استوار ایستاده اند و کوتاه نمی آیند

حمایتی راه رانت خواری برای عده دیگری را باز میکند و بس. اگر میخواهند خدمتی به بازنشستگان بکنند پول این بسته های نقدی را بپردازند. گفته دیگر آنها این بود که بسته حمایتی برای کارمندان ارشد دولتی لاکچری و شامل هزینه سفر و پادشاهای کلان ماموریتی است. اما برای ما کارگران چیست؟ بسیار خوب شما حقوقها را متناسب با قیمت واقعی هزینه های معیشتی افزایش دهید. بسته حمایتی را

این کار در میان آنها تفرقه ایجاد کند. این طرح از سوی عبدالملکی وزیر مستعفی رئیسی داده شده بود. این طرح با واکنش های اعتراضی بسیاری از سوی بازنشستگان روبرو شد. از جمله یک بحث بازنشستگان در مخالف با این طرح این بود که بسته حمایتی نهایتاً و در بهترین حالت برای مدت محدود یکساله است ولی حقوق پایه افزایش هرساله و درصدی پیدا میکند و پایدار است. بعلاوه دادن بسته

کنار بزنند و شاید فردا رئیس جلاذ نیز مجبور به استعفا شود. و مردم هم کل جمهوری اسلامی و حاکمیت را کنار میگذارند و بساطشان را جارو میکنند. و بالاخره یک عکس العمل دیگر حکومت در مقابل مبارزات بازنشستگان پیشنهاد دادن بسته های حمایتی به آنها بود. با این طرح حکومت به خیال خود تلاش داشت که بخشی از بازنشستگان را با چنین بسته هایی آرام کند و با

از صفحه ۳
زیر فشار اعتراضات گسترده بازنشستگان و با پز دفاع از بازنشسته چنین اولتیماتومی به دولت داده است. و این چنین است که ما شاهد این هستیم که چگونه مبارزات عظیم بازنشستگان و اعتراضات گسترده مردم علیه سونامی گرانی و جهنم جمهوری اسلامی حکومتیان را به جان هم انداخته است. زیر همین فشار است که امروز مجبور شدند عبدالملکی وزیر کار را

چپ، راست و جنبش سرنگونی

حمید تقوایی

خلیل کیوان: جامعه به دنبال راه کاری برای سرنگونی جمهوری اسلامی است. شنیده میشود که مردم به هر نیرویی اعم از چپ و یا راست که قادر باشد جنبش سرنگونی را متحد کند و رهبری کند، اقبال نشان میدهند. بینیم که چپ و راست در چه موقعیتی در جنبش سرنگونی قرار دارند، چطور میشود جنبش سرنگونی را متحد کرد، موانع اتحاد صفوف جنبش سرنگونی چیست؟ روش ها، شعارها و ساز و کار نیروهای چپ و همچنین راست برای سرنگونی جمهوری اسلامی چه هست؟ سیاست کمونیستها در قبال احزاب، سازمانها و شخصیتهای نیروهای راست چه باید باشد؟ چراویکرد نیروهای چپ چه در برخورد به جنبش سرنگونی و چه در برخورد به نیروهای اپوزیسیون راست با یکدیگر متفاوت است. این پرسش ها را با حمید تقوایی در میان میگذاریم. حمید تقوایی در چه موقعیتی قرار دارد، همین امروز که این برنامه را اجرا میکنیم هزاران بازنشسته در اهواز مارشی داشتند با شعارهای تند علیه حکومت و مقامات آن. ارزیابی شما از موقعیت چپ و راست در جنبشی که یک گوشه ای از آن همین اعتراضات پیگیر بازنشستگان است چه هست؟

حمید تقوایی: تا آنجایی که به جنبش سرنگونی مربوط میشود بنظر من الان دیگر همه دنیا، حتی خود حکومتی ها هم فهمیده اند که بخش اعظم جامعه جمهوری اسلامی را نمیخواهد. نه تنها نمیخواهد بلکه به خیابانها آمده تا حکومت

را بزیر بکشد. درست است که ریشه اعتراضات گرانی و فقر و تورم شرایط فلاکتبار معیشتی است ولی بهیچوجه اعتراضات مردم به این محدود نیست. مردم در خیزش های شهری، تا مرگ بر دیکتاتور و مرگ بر رئیسی و آخوند بروگمشو و غیره پیش رفته اند. در مبارزات معلمان، کارگران و بازنشستگان و تظاهرات و تجمعات هم دارند علیه رئیسی شعار میدهند، علیه مسئولین شعار میدهند و به این معنا یک اعتراض گسترده ای شکل گرفته است که حکومت را هدف قرار داده است.

جنبش سرنگونی چیزی جز این نیست. ما همیشه بر این واقعیت تاکید کرده ایم که گرایش به سرنگونی و تنفر از حکومت در بخش اعظم مردم گرایش قوی است و بارها دیده ایم که این گرایش به شکل اعتراضات صریحا ضد حکومتی بروز پیدا کرده است. در شرایط حاضر همانطور که شما اشاره کردید فقط در تجمعاتی که به فراخوان بازنشستگان شکل گرفته هزاران نفر به خیابانها می آیند و این حرکت مداوم و پیگیر است. یکشنبه بعدی هم باز فراخوان اعتراضی هست و مساله فقط به بازنشستگان محدود نیست، خانواده هایشان و بخشهای دیگری از جامعه به آنها میپیوندند. شعارهایشان هم محدود به بازنشستگان نیست، مساله فقر است، مساله فلاکت است، مساله دزدی و فساد جمهوری اسلامی است، و شعار مرگ بر رئیسی و شعار آخوند بروگمشو و غیره. این وضعیت بی سابقه جنبش سرنگونی است در یک سطح گسترده ای به پیش میرود.

تا آنجایی که به چپ و راست مربوط میشود، همین خصوصیات جنبش جاری نشان میدهد که جامعه در جهتی

حرکت کرده است که چپ ها و مشخصا حزب کمونیست کارگری همیشه پرچم اش را در دست داشته است. یعنی بطرف به چالش کشیده شدن کل حکومت و نظام موجود بقدرت خیابان. بقدرت مردمی که دست

به تظاهرات، اعتصاب، تجمعات و اعتراض میزنند و این اولین باری نیست که این اتفاق میافتد. اگر بخواهیم تنها دوره اخیر را مورد توجه قرار بدهیم و خیزش های قبلی را کنار بگذاریم، از ۹۶ مشخصا جامعه اعلام کرد اصلاح طلب اصولگرا دیگه تمامه ماجرا و در دیماه ۹۸ دانشجویان با شعار جمهوری اسلامی نابود باید گردد به خیابان آمدند. علیرغم همه بگیر و بندها و کشتاری که حکومت در آبان ۹۸ بعد از معرکه قاسم سلیمانی و فاجعه شلیک به هوایما براه انداخته بود دانشجویان آمد به خیابان و فریاد زد "جمهوری اسلامی نابود باید گردد". این تحولات از ۹۶ تا امروز نشاندهنده حرکت جامعه و روند عینی اوضاع در جهتی است که همیشه چپ و حزب ما در برابر جامعه قرار داده و برای تحقق آن تلاش کرده است. این چشم انداز که راه حل این است که مردم به خیابان بیایند، بقدرت خودشان متکی بشوند، متحد بشوند، همزمان و سازمانیافته اعتراض کنند. ما از اعتصابات سراسری صحبت کردیم، از سازمانیابی مردم در محلات و حتی ضرورت دست به اسلحه بردن و اینکه نهایتا باید تکلیف حکومت را با قیام مسلحانه روشن کرد. همه اینها جزء گفتمان ها و استراتژی و پراتیک

مبارزاتی ما بوده است. ازینرو باید گفت سیر تحولات جامعه و مشخصا اعتراضات و جنبش توده ای که از اردیبهشت آغاز شد نشان میدهد که بطور عینی چپ جامعه را با خودش دارد. منظورم

جنبش سرنگونی در جهت و مضمون و با شعارهایی پیش میرود که چپ مبلغ آن و پرچمدارش بوده است در حالی که راست تمام تلاشش این است که با حداقل تغییرات هر چه بیشتر از نظام موجود را حفظ کند و این وضعیت را از سر بگذراند.

این نیست که همه مردم در ایران چپ و یا کمونیست و یا طرفدار حزب کمونیست کارگری هستند. بلکه منظور این واقعیت است که مردم بپاخاسته و جنبشهای اجتماعی در حرکتهايشان، اعتراضاتشان، شعارهایشان، بیانیه هایشان، فراخوانهایشان نشان میدهند که جامعه به چپ چرخیده است. تا آنجا که به جنبش راست مربوط میشود آنها هم سناریوهای خودشان را دارند. اما جامعه در جهت عکس این سناریوها حرکت کرده است. نیروهای اپوزیسیون راست، سلطنت طلبان و جمهوریخواهان و جمهوری-سلطنت طلبان، خواهان رژیم چنچ هستند، میخواهند تغییراتی از بالا صورت بگیرد، نافرمانی مدنی، رفتارندوم، تغییر قانون اساسی، دخیل بستن به جنبش سبز و بنفش، دلجوئی از روحانیت خوب و سران "لشکری و کشوری" اینها گفتمانهای راست است. من این سیاستها و جهتگیری ها را جزئی از جنبش سرنگونی نمیدانم. درست است که امروز نیروهای راست تحت فشار خیابان ناگزیر شده اند به جمهوری اسلامی نه بگویند ولی همین هم عاریه ای است. اینها جزئی از جنبش سرنگونی نیستند بلکه مانعی بر سر راه آن

هستند به این دلیل ساده که میخواهند با حداقل تغییرات اوضاع را از سر بگذرانند. به همین خاطر شورای گذار و غیره درست میکنند، به همین خاطر میگویند که نیروهای انتظامی باید حفظ بشوند و حتی بسیج و سپاه باید حفظ بشوند. خواستار بازگشت به دوران گذشته هستند، انقلاب را هرج و مرج مینامند و به "سران لشکری و کشوری" پیام میدهند که برای جلوگیری از هرج و مرج به آنها بپیوندند. قاسم سلیمانی هنوز برایشان سردار ملی است و غیره. این ها نه تنها ربطی به جنبش سرنگونی ندارد بلکه تماما در مقابل خواستهای توده مردم معترض است. در واقع نیروهای اپوزیسیون راست تحت فشار جامعه که کل این وضعیت را نمیخواهد، تلاش میکنند با حداقل تغییرات ممکن از جمهوری اسلامی گذر کنند. میخواهند با حفظ بورکراسی، با حفظ دستگاه سرکوب، با حفظ نیروهای انتظامی، اوضاع را از سر بگذرانند.

خلاصه حرف من اینست که جنبش سرنگونی در جهت و مضمون و با شعارهایی پیش میرود که چپ مبلغ آن و پرچمدارش بوده است در حالی که راست تمام تلاشش این است که با حداقل تغییرات هر چه بیشتر از نظام موجود را حفظ کند و این وضعیت را از سر بگذراند.

خلیل کیوان: در صحبت هایتان اشاره کردید که راست خودش مانعی است بر سر سرنگونی حکومت. ادعای خودشان برخلاف این است آنها مدعی هستند که توان و امکان رهبری جنبش سرنگونی را دارند و دانما به اعتراضات خیابانی پیام میدهند. اخیرا هم دیدیم که یک تلاش گسترده ای با اتکا به رسانه های فارسی زبان داشتند

چپ، راست و جنبش سرنگونی

حمید تقوایی

از صفحه ۶

که رضا پهلوی را مطرح کنند اما توفیق چندانی در این کار نداشتند. می‌خواهم بدانم که ادعای آنها دال بر اینکه توان رهبری جنبش سرنگونی را دارند با واقعیت چقدر خوانایی دارد؟

حمید تقوایی: رهبری با ادعا بدست نمی‌آید. حتی با جارو جنجال تلویزیونی و رسانه‌های که معلوم است خط و سیاستهای دولتهای متبوع خودشان را دنبال میکنند، هم رهبری ساخته نمیشود. امروز دیگر دوره، دوره ۵۷ نیست که یکنفر را لانس کنند و عکس اش را در ماه بیاندازند و تریبون بگذارند جلوی و رهبرش کنند. این اتفاق نمی‌افتد و همانطور که گفتید تلاشهای اخیرشان هم با اقبال زیادی هم مواجه نشد و فقط جارو جنجالی حولش راه افتاد. حتی از خود جمهوریخواهان در جنبش راست در برابر رضا پهلوی موضع گرفتند و جوابش را دادند. این نوع تلاشها به جایی نمیرسد.

اگر بحث از رهبری است حداقل خصوصیتی که رهبری باید داشته باشد این است که دو قدم جلوتر از مردم حرکت کند و خواستها و شعارهایشان را هر چه عمیقتر و رادیکالتر و شفاف تر کند؛ که بخواهد تیشه به ریشه اوضاع بزند و اعتراضات مردم رادر جهت زیور و کردن کل نظام موجود هدایت کند. بعنوان نمونه مردم تنها سکولار نیستند بلکه از اسلام کلا متفر هستند. می‌خواهند بساط اسلام از حکومت، از آموزش و پرورش از قوانین، و از زندگی اجتماعی شان حذف بشود. می‌خواهند

اسلام تبدیل شود به مساله خصوصی که یکی قبول دارد یکی قبول ندارد و کلا بی مذهبی برسمیت شناخته بشود. مردم نمی‌خواهند هویت مذهبی برایشان تراشیده شود، آن جامعه مذهب رسمی نمی‌خواهد، آن جامعه امام جمعه نمی‌خواهد، چه امام جمعه درباری چه غیر درباری، آن جامعه هیچ نوع آخوندی را نمی‌خواهد چه آخوند

همه آزادی را با شوراها تداعی میکردند. امروز هم کارگر هفت تپه دارد میگوید اداره شورایی و با استقبال جامعه روبرو میشود. من می‌خواهم بدانم که کدام یک از نیروهای راست این خواستها و گرایشات توده مردم را نمایندگی میکنند؟ جامعه علیه دیکتاتوری در هر شکلی است. الان نزدیک به صد سال دیکتاتوری، که نزدیک به شصت

مجموعه مواضعش، علیه خواستهایی است که همین امروز در خیابان فریاد زده میشود. به این معنا جنبش راست چه جمهوریخواه اش و چه سلطنت طلب و چه سازمانهای بینابینی از نظر هویت سیاسی و از نظر استراتژیک، از نظر سیستم ارزشی و صله ناچوری بر تن جامعه به پا خاسته ایران در مقابل اسلاميون است و به همین

از سوی دیگر ناسیونالیسم فارس ناسیونالیسمهای دیگر را در جامعه تقویت میکند. ناسیونالیسم کرد و آذری و غیره نیز بر طیل تاریخ و نیاکان ارزشهای ملی خود می‌کوبند و با این سناریو جامعه به سمتی سوق پیدا میکند که در جنگ همسایه کشی و فروپاشی یوگسلاوی دیدیم. وقتی نیروهای اپوزیسیون راست بر تمامیت ارضی تاکید میکنند در واقع بر آتش فروپاشی جامعه می‌دمند. تمامیت ارضی، تاریخ نیاکان، ناسیونالیسم، میهن پرستی، خاک پرستی، پرچم پرستی، اینها همه نسخه تفرقه افکنی و زمینه سازی جنگهای همسایه کشی است. همانطور که اشاره کردم وحدت مردم حول شعارها، خواستها، آرمانها، انتظارات و توقعات جهانشمول انسانی ممکن است و نه حول دیدگاهها و آرمانهای ناسیونالیستی، قومی، مذهبی.

بد، چه آخوند "خوش خیم" و چه بد خیم. آن جامعه می‌خواهد از شر سلطه اسلام یکبار برای همیشه رها بشود. کدام یکی از این نیروهای راست حتی آنهایی که به خودشان می‌گویند سکولار این تصویر را به جامعه منتقل میکنند و این خواست عمیق جامعه را نمایندگی میکنند؟ نکته دیگر اینکه جامعه علیه فقر و شرایط فلاکتبار معیشتی است؛ علیه فاصله و شکاف طبقاتی بین فقر و ثروت که مردم در شعارهای حقوق های نجومی فلاکت عمومی آنها فریاد می‌زنند؛ معلمان بنر بالا می‌برند علیه بی عدالتی و علیه تبعیض طبقاتی؛ جامعه می‌خواهد از شر مفتخورها رها بشود، جامعه می‌خواهد اداره شورایی را بدست بگیرد. پارلمان و دموکراسی پارلمای دغدغه مردم نیست. مردم خواهان آزادی به معنای دخالت در سرنوشت خودشان هستند. همانطوری که در اوایل سال ۵۸ بعد از قیام بهمن مردم

سالش دیکتاتوری خانواده پهلوی بوده و چهل سالش دیکتاتوری اسلامی، جامعه را ذله کرده است. مردم هیچ نوع دیکتاتوری را نمی‌خواهند، نمیشود که بازگشت به دیکتاتوری سلطنتی را بعنوان دموکراسی به جامعه وعده داد. آیا نیروهای راست خواهشهایی که همین امروز معلمان و بازنشستگان و توده های بی‌پاخاسته فریاد می‌زنند را نمایندگی میکنند؟ "رضاشاه روح شاد که می‌خواهند به اعتراضات مردم تزریق کنند" تنها نشان دهنده بی ربطی نیروهای راست به درد و خواست توده مردم است و بس.

اساس بحث اینست که جنبش سرنگونی مضمون مشخصی دارد، خواستههای صریحی دارد، آرمان و مرام و آرزوها و توقعاتی دارد که جنبش راست علیه همه آنها حرکت میکند. سیستم ارزشی اش، آرمانش، مجموعه تبلیغاتش،

دلیل جایگاهی در جنبش سرنگونی طلبانه مردم ایران نمیتواند داشته باشد.

در ضمن اینرا هم بگویم من ندیدم که اصطلاح جنبش سرنگونی را هیچ نیروی راستی بکار برد. حداکثر از براندازی و گذار صحبت میکنند آنها مشروط بر آنکه مسالمت آمیز باشد و هرج و مرج ایجاد نکند و به در هم کوبیده شدن نیروهای انتظامی و دستگاه و صنعت مذهب و بوروکراسی مافوق مردم منجر نشود! بویژه کلمه انقلاب در قاموس اپوزیسیون راست جزو محرمات است. حتی در لفظ هم نیروهای اپوزیسیون راست به جنبش توده مردم برای زیور و رو کردن اوضاع ربطی ندارند.

خلیل کیوان: بالاخره برای اینکه کار یکسره بشود و حکومت سرنگون بشود، این جنبش سرنگونی باید متحد بشود و برای اینکه متحد بشود،

اهداف، خواستهها شعارها و راهکارهای واحدی را باید داشته باشد. از نظر شما کدام اهداف، خواسته ها و شعارها و راهکارها متحد کنند

حمید تقوایی: تا آنجایی که به شعارها و اهداف و خواستهها مربوط میشود، شعارها و خواستههایی میتواند مردم را متحد کند که جهانشمول باشد و به آمل و خواستههای انسانی مردم رجوع کند؛ که محورش رهایی انسان باشد، محورش رفع هر نوع تبعیض باشد، از تبعیض مذهبی و ملی و قومی گرفته تا تبعیض طبقاتی تا شکاف عظیم بین فقر و ثروت. شعارها و آملی که برابری را بمعنای عمیق کلمه مطرح کند، که منظورش از آزادی به پارلمان و حقوق بشر محدود نباشد، بلکه دخالت مستقیم مردم در سرنوشت خودشان را بخواهد، که لغو مجازات اعدام را بخواهد که در اعلامیه جهانی حقوق بشر وجود خارجی ندارد، جدایی مذهب از دولت را بخواهد که در اعلامیه جهانی حقوق بشر چنین چیزی نیست. حقوق بشر خیلی از وضعیت جمهوری اسلامی بهتر است ولی نه در حکومت شاه همین حقوق بشر الکن رعایت میشد و نه در جمهوری اسلامی. مردم بین بد و بدتر نمی‌خواهند انتخاب کنند. مردم می‌خواهند آن چیزی که واقعا آزادشان میکند، واقعا رفاه و برابری و آزادی را برایشان می آورد را انتخاب کنند. مردم همه آزادی را می‌خواهند، همه رفاه را می‌خواهند، و با این شعارها و خواستهها و پرچمی که راست بلند کرده است نه تنها اینها متحقق نمیشود بلکه علیه آنهاست. اگر سوال بر سر وحدت مردم است وحدت مردم فقط میتواند طبق تعریف حول خواستههای

چپ، راست و جنبش سرنگونی

حمید تقوایی

از صفحه ۶

مشترک همه مردم انجام بشود، و این یعنی خواسته‌های انسانی و نه ملی و مذهبی و قومی و اتنیکیتی. امر مردم آزادی، رفع همه تبعیضات، برابری، دخالت در سرنوشت خود، زدن زیر هر نوع قدرت مافوق و خواسته‌های انسانی از این قبیل است. در مقابل جنبش راست دارد بر ایرانیت میگوید، بر تمامیت ارضی میگوید، پرچم ناسیونالیسم فارس را بلند کرده است، کورش کبیر را تبدیل کرده به ایکون و مظهر خودش. اینها اسباب تفرقه است و نه وحدت. مردمی که خود را اقلیتهای ملی میدانند، کردها و آذری‌ها و بلوچها و عرب زبانان، و کارگران مهاجر افغان که حتی ایرانی بحساب نمی آیند از دایره ارزشها و آمال ناسیونالیسم فارس بیرون می افتند.

از سوی دیگر ناسیونالیسم فارس ناسیونالیسمهای دیگر را در جامعه تقویت میکند. ناسیونالیسم کرد و آذری و غیره نیز بر طبل تاریخ و نیاکان ارزشهای ملی خود میکوبند و با این سناریو جامعه به سمتی سوق پیدا میکند که در جنگ همسایه کشی و فروپاشی یوگسلاوی دیدیم. وقتی نیروهای اپوزیسیون راست بر تمامیت ارضی تاکید میکنند در واقع بر آتش فروپاشی جامعه میدمند. تمامیت ارضی، تاریخ نیاکان، ناسیونالیسم، میهن پرستی، خاک پرستی، پرچم پرستی، اینها همه نسخه تفرقه افکنی و زمینه سازی جنگهای همسایه کشی است. همانطور که اشاره کردم وحدت مردم حول

شعارها، خواستهها، آرمانها، انتظارات و توقعات جهانشمول انسانی ممکن است و نه حول دیدگاهها و آرمانهای ناسیونالیستی، قومی، مذهبی.

خلیل کیوان: به چپ بپردازیم، چپ هم طیف متنوعی است. در برخورد به نیروهای راست دیدگاههای متنوعی در بین چپها وجود دارد. حزب کمونیست کارگری ایران در عین حال که دانا به نقد نیروهای راست میپردازد اما در عین حال تاکید دارد که جدال چپ و راست را نباید به خیابانها کشاند، اصطلاحی که خود شما بکار بردید که اپوزیسیون اپوزیسیون نشوید. اما همین اصطلاح شما و همین سیاست از جانب نیروهای چپ مورد انتقاد قرار میگیرد و به سازش با راست تعبیر میشود. چه توضیحی در مورد این مساله دارید؟

حمید تقوایی: من فکر میکنم کسی که این نقد را دارد عملا و مستقل از هر نیتی که دارد عملا دارد به راست خدمت میکند. در مورد اصطلاح اپوزیسیون اپوزیسیون نشوید که شما مطرح کردید روشن است که ما اپوزیسیون جمهوری اسلامی هستیم. ما میخواهیم جمهوری اسلامی را سرنگون کنیم. اپوزیسیون راست را نمیتوان سرنگون کرد. اگر کمونیستی در جایی از دنیا میخواهد سیاسی باشد و مربوط به دنیا باشد اول باید تکلیف را با قدرت سیاسی در کشور خودش تعیین کند و آزا بزیر بکشد. ما اپوزیسیون اپوزیسیون راست نیستیم بلکه منتقد پیگیر راست هستیم. ما خیلی بیشتر از این دوستانی که به عبارت اپوزیسیون اپوزیسیون نشوید انتقاد دارند نیروهای اپوزیسیون راست را همه جانبه زیر انتقاد گرفته ایم ولی این به آن معنا نیست که ما اپوزیسیون راست

هستیم. ما اپوزیسیون جمهوری اسلامی هستیم. یعنی اپوزیسیون راست در قدرت. آن جناح، آن بخش، آن گرایشی از طبقه سرمایه دار که قدرت را در دست دارد اسلامیون هستند. گرایش دیگری از طبقه سرمایه دار ایران در اپوزیسیون است ما مخالف و منتقد آن هم هستیم ولی مبارزه ما علیه حکومت موجود است.

ما معتقد نیستیم که باید رفت به خیابانها و علیه راست شعار داد. این فقط میتواند عملا بنفع جمهوری اسلامی تمام شود. ما در خیابانها علیه جمهوری اسلامی مبارزه میکنیم. تزهایی هست که گویا تکلیف رهبری انقلاب را جنگ الکترونیها تعیین میکند. این پوچ است. تنها در جنگ با جمهوری اسلامی میتوان رهبر مردم ریشه درد مردم همین امروز سلطنت نیست، ریشه درد مردم حال در مبارزه علیه حکومت هر جا هر نیرویی از اپوزیسیون راست، چه سلطنت طلب، چه جمهوریخواه و غیره بخواهد حرکت مردم را به سازش بکشاند، بخواهد مردم را به عقب بکشد، بخواهد مانع ایجاد کند و حتی یک میلیمتر اعتراض مردم را منحرف کند ما مقابلش میایستیم و ایستاده ایم. ادبیاتی که حزب ما در نقد راست دارد چندین برابر نوشته مدعیان ما است. نه فقط ادبیات تخریبی و تحلیلی در نقد عقاید و دیدگاهها و سیستم ارزشی راست بلکه در مقابل سیاستها و مواضع و تاکتیکهای مشخص نیروهای راست هر جادر برابر حرکت انقلابی مردم قرار میگیرند. وقتی که مثلا رضا پهلوی در برابر مرگ قاسم سلیمانی سکوت میکند و یا نیروهایی از راست بعنوان سردار ملی از او یاد میکنند، وقتی از

رفراندوم صحبت میکنند، در نقد رفراندوم، مساله نافرمانی مدنی، مساله راست ایران و ترامپیسیم، مساله ناسیونالیسم کرد و آذری و غیره، در نقد اوجلان، در نقد سناریوهای رژیم چنجی، در نقد مالتی کالچرالیسم و نافرمانی مدنی و فریدمنیسیم که استراتژی راست است. اساس نقد ما به راست حتی در سطح ایدئولوژیک و استراتژی و سیستم ارزشی، نقد حفظ نظام موجود با حداقل تغییرات ممکن است. اساس نقد ما به راست این است که میخواهد نظام موجود را با حداقل تغییرات حفظ کند. فوئش ولی فقیه را ببرد شاه را بجایش بنشانند ولی بوروکراسی، مذهب رسمی و اسلام درباری، زندانها و کل سیستم و ماشین دولتی حفظ بشود. حتی صریحا میگوید نیروهای انتظامی، بسیج و سپاه برای حفظ انتظامات باید باقی بمانند. ازینرو نقد ما به اپوزیسیون راست مستقیما در خدمت تقویت جنبش سرنگونی قرار میگیرد.

ما بعنوان نیروئی که پرچم بزیر کشیدن جمهوری اسلامی را بلند کرده ایم راست را نقد میکنیم. تنها در این حرکت است که میشود راست را واقعا زد و منزوی کرد. برعکس آن بخشی از چپ که اینرا نمی بیند تصور میکند در مبارزه با راست، در جنگ آلترناتیوها، میتوان جمهوری اسلامی را سرنگون کرد. این نگرش جنبش سرنگونی را حاصل جنبشهای راست و چپ میدانند. گویا مردم بخاطر سیاستهای احزاب، بخاطر تعلقاتشان به نیروهای اپوزیسیون راست و یا چپ به خیابان میریزند. به همین دلیل این نوع چپها جنبش ۸۸ را تماما به کیسه موسوی ریختند. گویا مردمی که با فریاد مرگ بر خاومه ای به خیابانها ریخته بودند

دردشان قلب در انتخابات بود! در حالی که مردم خودشان شعار دادند موسوی بهانه است کل رژیم نشانه است. امروز هم وقتی بخش کوچکی از مردم شعار میدهند رضا شاه روح شاد و تلویزیونهای پرو راست این را بزرگ میکنند به نحوی که گوئی این شعار اصلی مردم است، برخی از نیروهای چپ پنیک میکنند که راست دارد دست بالا را پیدا میکند و رهبر میشود و غیره. در حالی که مبارزات جاری به شهادت ۹۹ در صد شعارها و مطالباتی که صریحا در خیابانها اعلام کرده است چپ است و اساسا همانطور که توضیح دادم اپوزیسیون راست اصلا ربطی به جنبش سرنگونی ندارد. بله باید راست را در سیاستها و در استراتژی بخاطر اینکه مانعی بر سر سرنگونی جمهوری اسلامی است نقد و افشا کرد اما جنگ خیابانی آلترناتیوها خود در خدمت جمهوری اسلامی است. رژیم خود آتش بیار چنین جنگی است. به نظر من به احتمال زیاد در طرح شعار رضا شاه روح شاد دست جمهوری اسلامی در کار است. اما حتی اگر اینطور هم نباشد این شعار آب به آسیاب حکومت میریزد.

در آخر باز تاکید میکنم که هدف ما مبارزه برای خلع ید سیاسی از بورژوازی یعنی بزیر کشیدن جمهوری اسلامی است و نقد راست و مقابله با اپوزیسیون راست هر کجا در این حرکت مانع ایجاد کند. این خط و سیاستی است که ما توصیه میکنیم و فکر میکنیم که همه نیروهای مدعی کمونیست باید همین سیاست را داشته باشند.

۱۶ ژوئن ۲۰۲۲

با تشکر از امیر توکلی برای پیاده کردن متن اولیه این مصاحبه.

۲۶ خرداد: تجمعات سراسری بزرگ معلمان

از ساعت ده صبح امروز ۲۶ خرداد بنا بر فراخوان قبلی شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان معلمان در سطح سراسری و در اعتراض به ادامه بازداشت همکاران خود و سونامی گرانی و عدم پاسخگیری مطالباتشان تجمع کردند. این تجمعات قرار بود در تهران مقابل مجلس اسلامی و در شهرها و شهرستانها مقابل ادارات آموزش و پرورش برگزار شوند. حکومت اسلامی از ترس به میدان آمدن معلمان در همه شهرها در محل های اعلام شده برای تجمعات نیروی سرکوبش را مستقر و فضا را بشدت امنیتی کرده بود و علیرغم آن جمعیت قابل توجهی از معلمان در شهرهای مختلف تجمع کردند و شعار معلم زندانی آزاد باید گردد سر دادند. بنا بر گزارشات علیرغم فضای امنیتی تا کنون تجمعات در شهرهای میوان، سنندج، سقز، بوکان، بیجار، اندیمشک، ساری، رشت، خرم آباد، کاشمر، همدان، زنجان، اردبیل، اسلام آباد غرب، سردشت، آبدانان، هرسین، ملایر، بابل، و الیگودرز برگزار شده است. یک شعار محوری در این تجمعات شعار معلم زندانی آزاد باید گردد بود.

در تهران حضور نیروهای امنیتی سنگین و به گفته شاهدین حکومت در مقابل مجلس عملا حکومت نظامی اعلام نشده برقرار کرده بود و نیروهای نظامی و ماشین ها و نیروهای سرکوب مستقر بودند. در رشت عزیز قاسم زاده سخنگوی کانون صنفی فرهنگیان گیلان قبل از آغاز تجمعات اعتراضی معلمان توسط نیروهای امنیتی بازداشت شد. علیرغم این دستگیری و فضای امنیتی معلمان در این

شهر تجمع خود را برگزار کردند و با شعارهای "زندانی سیاسی آزاد باید گردد"، "معلم زندانی آزاد باید گردد"، و "گرانی، تورم، بلای جان مردم" دست به راهپیمایی زدند. در کرج معلمان با شعارهای "معلم به پا خیز برای رفع تبعیض"، "معلم زندانی آزاد باید گردد" و دست نوشته هایی با تاکید بر مطالباتشان و آزادی معلمان زندانی پیگیر مطالباتشان شدند. در سنندج در خیابان اکباتان و طالقانی و در محل تجمع معلمان در سه راه اداره برق و نزدیک به اداره کل آموزش و پرورش حضور نیروهای انتظامی بسیار سنگین بود. علیرغم آن جمعیتی از معلمان تجمع کردند و شعار "معلم زندانی آزاد باید گردد" را سر دادند. در میوان معلمان تجمع و راهپیمایی کرده و شعار معلم زندانی آزاد باید گردد سر دادند. در همدان جمعیت قابل توجه بود و در خرم آباد معلمان شعار می دادند: "وزیر بی کفایت استعفا، استعفا، معلم زندانی آزاد باید گردد". در ساری معلمان جمع شدند و با سردادن شعارهای "معلم زندانی آزاد باید گردد"، و "معیش، منزلت، حق مسلم ماست" بر خواستههایشان تاکید کردند. در کاهیاران نیروهای انتظامی در خیابان و کوچه های منتهی به آموزش و پرورش مستقر شده و برای جلوگیری از برگزاری تجمع معلمان راه را بسته بودند. در کرمانشاه معلمان تجمع کرده و شعار میدادند: "با اینهمه هیاو، حاصل وعده هات کو"، "فرهنگی می میرد، ذلت نمیبذیرد". در زنجان نیز معلمان تجمع داشتند و با شعار "حسین، حسین، شعارشون، دروغ و دزدی کارشان" بساط چپاول و

غارت حاکم را به چالش کشیدند. گفتی است که یک روز مانده به تجمع اعتراضی معلمان در ایران و امروز وزارت اطلاعات از ترس گسترش اعتراضات معلمان تعدادی دیگری از آنها را بازداشت کرده است. اسامی بازداشت شدگان عبارتند از: محمودصدیقی پور، عزیزقاسم زاده، جواد سعیدی، انوش عادل و دو معلم دیگر در گیلان، خالد عبداللهی، محمد فتاحی، سلیمان عبدی، عزیز مرزی، احمد قادری، کیوان احمدی، حسین محمدی، لقمان اله مرادی، خالد شیخی، انور فرج زاده، صلاح الدین حسینی، قادر یثربی، مرضیه طلایی، زاهد مرادی، آمانج امینی، انور فرج زاده، ناوات رضوی، اسماعیل ریحانی (انجمن صنفی معلمان کردستان سقز و زیویه)، ستار زارعی، سیدمجتبی ابطحی، روح الله قدیمی (کانون صنفی معلمان خمینی شهر)، تحسین مصطفی، سیوان سلیمانی، آرام قادری (انجمن صنفی معلمان کردستان میوان)، هیوا قریشی، کاوه محمدزاده، امیدشاه محمدی، عثمان رضایی، پرویز احسنی (انجمن صنفی معلمان کردستان دیواندره)، صلاح حاجی میرزایی (انجمن صنفی معلمان کردستان سنندج) گزارشات حاکی از اینست که در شهر سقز، دیواندره و سنندج بیش از ۲۰ نفر از معلمان بازداشت شده اند. تاکنون اسامی ۱۱ نفر از آنها به نامهای خالد عبداللهی، محمد فتاحی، سلیمان عبدی، عزیز مرزی، صلاحی سرخی لقمان الله مرادی، احمد قادری، کیوان احمدی، خالد شیخی، انور

فرج زاده و صلاح حسینی احراز شده است و هویت باقی دستگیر شدگان هنوز روشن نیست و هنوز اطلاعی از اینکه به کدام بازداشتگاه منتقل شده اند در دست نیست. در دیواندره پنج نفر از اعضای انجمن صنفی معلمان به نامهای امید شاه محمدی، عثمان رضایی، هیوا قریشی، پرویز احسنی و کاوه محمدزاده بازداشت شده اند. از سنندج مریم احمدی، رضا الیاسی، بها ملکی، جبار پاکزاد و فاتح اسدی از معلمان و فعالین صنفی سنندج از جمله بازداشت شدگان بودند که پس از چهار ساعت بازجویی و تهدید به دستگیری در صورت شرکت در تجمعات امروز پنجشنبه آزاد شدند. مریم احمدی و رضا الیاسی از اعضای هیئت مدیره انجمن صنفی معلمان کردستان شاخه سنندج - کلاتران هستند. شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان به سنت همیشه به مناسبت تجمع سراسری امروز قطعنامه ای انتشار داده است. خطاب این قطعنامه به معلمان و به مردم و اولیای دانش آموزان است. در بخشی مقدماتی این قطعنامه با اشاره به وعده های رئیسی و بعد هم اعلام سیاست جراحی اقتصادی چنین آمده است: "به جای کاهش شکاف طبقاتی و فقر، سفره ما معلمان و سایر دستمزدبگیران را هدف گرفته است، به گونه ای که طبقه می متوسط را با سرعتی وصف ناشدنی، به زیر خط فقر کشانده اند. در چنین شرایطی، کارمند، کارگر، معلم شاغل و بازنشسته توان مقابله با تورم لجام گسیخته را از دست داده و هر روز قدرت خریدشان کم تر و

به تبع سفره شان کوچک تر می شود و به ناچار، مطالبات خود را از طریق تجمعات اعتراضی و با فریاد دادخواهی و حق طلبی در کف خیابان طلب می کنند". سپس قطعنامه با اعلام اینکه حکومت به جای شنیدن فریاد اعتراض مردم به ستوه آمده از فقر و فرق، خشونت ورزی میکند به عدم اختصاص بودجه لازم به آموزش و پرورش و زیر پا گذاشته شدن حقوق سیزده میلیون دانش آموز اعتراض میکند. همچنین قطعنامه به عدم اجرای همسان سازی حقوق بازنشستگان که چهارده سال از تصویب آن میگذرد اشاره میکند. بر نقش مخرب صدا و سیما جمهوری در جهت تخریب چهره معلمان و تبدیل شدن به ابزاری برای فرار دولت و مجلس، از زیر بار مسئولیت اجرای قانون و سناریوسازی های نخ نمای آنها اشاره میکند. این قطعنامه اعتراض معلمان به تشدید سرکوبگری ها و دستگیری های گسترده از معلمان اعلام را ابراز میکند و با نام بردن از ۲۴ معلم زندانی خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط همه آنها و مختمه اعلام کردن پرونده ها ی امنیتی آنان شده است. اجرای کامل رتبه بندی معلمان، همسان سازی حقوق فرهنگیان بازنشسته، تحصیل رایگان و برجیدن آموزش پولی و جلوگیری از کالایی سازی آموزش از دیگر مطالبات فوری اعلام شده شورای هماهنگی در این قطعنامه است.

قطعنامه ۲۶ خرداد شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان صدای اعتراض همه مردم علیه سونامی گرانی و ادامه در صفحه ۹

۲۶ خرداد: تجمعات سراسری بزرگ معلمان

از صفحه ۸

جراحی اقتصادی حکومت، علیه تبعیض و نابرابری و سرکوبگری های حکومت است. فرخوان شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان برای تجمع در روز ۲۶ خرداد با

استقبال خوبی از سوی تشکلهای و گروههای مختلف معلمان و بازنشستگان روبرو شده بود. بازنشستگان تامین اجتماعی در تجمعاتشان با شعار معلم زندانی آزاد باید گردد، معلم بازنشسته، اتحاد، اتحاد، همستگی خود را با معلمان اعلام داشتند. تشکلهای و گروههای مختلف کارگری و

اجتماعی نیز در مدیای اجتماعی این فراخوان را حمایت کردند. از جمله شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت و انجمن صنفی دانشجویان اصفهان نیز طی بیانیه ای از آن اعلام حمایت کرده بودند. در سطح جهانی نیز حمایت ها از اعتراضات معلمان و برای آزادی معلمان زندانی

گسترده است.

حزب کمونیست کارگری قاطعانه از خواست و مبارزات معلمان این سنگر مهم مردمی حمایت میکنند. تمامی معلمان زندانی و بازداشت شدگان امروز باید بدون قید و شرط آزادی شوند. داشتن زندگی ای انسانی حق مسلم همه مردم است. دانش آموزان حق

برخورداری از تحصیل رایگان و داشتن زندگی ای شاد و پر از رفاه و آسایش را دارند.

حزب کمونیست کارگری

ایران

۲۶ خرداد ۱۴۰۱، ۱۶ ژوئن

۲۰۲۲

دستگیری و بازداشت معلمان محکوم است!

روز پنجشنبه ۲۶ خرداد ۱۴۰۱ در پی اعتراضات سراسری معلمان و فرهنگیان که به فراخوان از قبل اعلام شده توسط شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان صورت گرفت، بیش از ۱۰۰ معلم دستگیر شدند.

معلمان در این اعتراضات ضمن رسیدگی و تحقق یافتن خواسته هایشان با شعار «معلم زندانی آزاد باید گردد» خواهان آزادی تمام معلمان زندانی شدند.

جمهوری اسلامی که مستأصل و درمانده از

اعتراضات مردمی شده با اعمال خشونت و ضرب و شتم دست به بازداشت و دستگیری معلمین زد.

اعتراضات گسترده و توده ای مردم علیه گرانی و تورم در ماه های اخیر و خواست به زیر کشیدن حکومت اسلامی و سران رژیم سبب شد که نیروهای امنیتی و چماق بدستان در مقابل معترضین ایستاده و با شلیک مستقیم، مردم را سرکوب کنند.

کارشناسان حقوق بشر در خصوص تشدید سرکوب در ایران هشدار داد و اعلام کرد طی یک ماه و نیم گذشته، پنج نفر در تظاهرات و اعتراضات کشته شده اند.

جمهوری اسلامی به بن بست رسیده و ادامه

اعتراضات و اعتصابات سراسری رژیم را به سرنگونی میکشاند.

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی بازداشت و دستگیری معلمان و فرهنگیان را محکوم می کند و خواست آزادی فوری و بدون قید و شرط

معلمان را دارد.

در آستانه روز جهانی در حمایت از زندانیان سیاسی، بیست ژوئن برابر با سی خرداد با پیوستن و شرکت در تحصنها و حرکات اعتراضی اعلام شده در کشورهای کانادا، هلند، سوئد و آلمان صدای اعتراض به

سرکوب بی سابقه و بازداشت معلمان با خواست آزادی بدون قید و شرط آنان باشیم.

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی

۲۷ خرداد ۱۴۰۱

۱۷ ژوئن ۲۰۲۲



اساس سوسیالیسم انسان است

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

سر دبیر: نسان نودینیان
ادیتور: کاظم نیکخواه

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته جمعه ها منتشر می شود.

فیسبوک حزب: www.facebook.com/wpiiran

اینستاگرام: www.instagram.com/wpi91

تلگرام: telegram.me/wpi_hkkl

وبسایت: www.wpiiran.org



اعلان جنگ رو در رو با مردم توسط حکومت

هادی وقفی

طی هفته ای که گذشت و باید گفت اساسا بعد از فاجعه "متروپل" آبادان، که به فروزری نماد اختلاسگران و دزدان حکومت اسلامی معروف شد، مبارزات اجتماعی مردم ایران و اعتصابات کارگران، معلمان و بازنشستگان و حتی بازاریان وارد فاز جدیدی گشت. معلمان و بازنشستگان و کارگران با شعارها و مطالبات رادیکال و انسانی خود بمیدان آمدند و اعلام کردند حکومت دزد و اختلاسگری را که در روز روشن دار و ندار و حاصل یک عمر رنج و تلاش شان را دزدیده است، نمی خواهند. حکومت اسلامی و دخالت مذهب در امورات اقتصادی و اجتماعی شان را نمی خواهند. حکومتی را که جوانان و فعالین مبارزشان را اسیر سیاهچالها و شکنجه گاه هایش کرده است، نمی خواهند و به این معنا، باید اذعان داشت و امیدوار بود که از این پس، این مبارزات روند صعودی تری را طی کرده و جمهوری اسلامی را هر چه بیشتر به سرنگونی نزدیک نماید. مردم، کارگران، معلمان و بازنشستگان و جوانان ایران، طی ماهها و هفته های اخیر، بیش از پیش به این واقعیت آگاهی یافتند که با یک ساختار سیاسی مخرب و ناکارآمد و فاسد و درمانده و به بن بست رسیده مواجه اند. و به همین دلیل، ضربه هایی که از این پس بر پیکره فرتوت و در حال احتضار حکومت وارد خواهند کرد، هرچه بیشتر کاری تر، عمیق تر و غیرقابل بازگشت تر خواهد بود!

تمام مقامات آن نظام های سیاسی که ماهیت وجودی شان را از دیکتاتوری سازمان یافته بر علیه مردم می گیرند، در آخرین روزها و ماه های قبل از سرنگونی حکومت شان به هذیان گویی و دیوانگی فکری روی می آورند. "معمر قذافی" رهبر خودکامه لیبی، دو ماه قبل از سرنگونی و دستگیری ذلیلانه و خفت بارش توسط مردم، معترضان و مردم پیاخته لیبی را "سوسک های صحرایی" نامید و اضافه کرد که "من این سوسک ها را در هر کجا که باشند، یک به یک پیدا کرده زیر پا له می کنم!" و همگان حتما چهره ذلیل و حقارت بار او را در زمان دستگیری اش توسط مردم به یاد دارند که کارش حتی به محاکمه هم نرسید. خامنه ای، رهبر وامانده و مستأصل رژیم اسلامی هم به چنین وضعیتی نزدیک شده است. او حدود دو هفته پیش در یک سخنرانی، از "اعتراضات مردمی" سخن گفت و معترضان را بار دیگر جیره خوار و موجب بگير دشمن نامید و در واقع، پس از سخنرانی خامنه ای و راه نشان دادن به دستگاه های اجرایی تحت امرش بود که مجلس اسلامی قانون مجاز بودن استفاده از سلاح برای هر نیروی امنیتی که سلاح در اختیار دارد را تصویب نمود!

بیشتر از چهار دهه است که "دشمن خارجی و خیالی" دستاویز حکومت اسلامی برای سرکوب و کشتار مردم بوده و جمهوری اسلامی تمام ناکارآمدی ها و بحران های اقتصادی و اجتماعی خود را براساس آن توجیه کرده و حکومت ننگین اش را تداوم بخشیده است. و هم اکنون، زمان اعلام جنگ علنی و رو در رو با مردم فرا رسیده است! باصطلاح مقامات و قانونگذارانی

که که بنا به تعریف و عرف، می بایست هم و غم شان، دفاع از حرمت و جان و منزلت و آسایش مردم باشد، دور هم جمع شده اند تا طرح و نقشه بریزند که چطور می توانند سرکوب و کشتار و سلاخی مردم بجان آمده و همه چیز از دست داده را، هرچه بهتر سازماندهی کنند. و با اینحال، باید گفت کور خوانده اند. اینها همه، پروژات آخرین نفس های نظام منحوس و آدمکش و دزد اسلامی است. اینها همه، هذیان گویی باصطلاح مقاماتی است که خودشان بخوبی می دانند در طول بیشتر از چهل سال گذشته، با سیاست های مذهبی و شرعی و ضدانسانی شان، شیرازه اجتماعی و اقتصادی آن مملکت را از هم پاشانده اند و جز یک جامعه ویران شده و فقر زده و گرفتار شده در چنگال این خون آشامان تاریخ، چیزی بر جای نگذاشته اند. و باینحال، باید اضافه کرد که چنین سازو کاری با توسل به دزدی و فساد و قاچاق و تحمیل فقر و بی حقوقی مطلق به مردم و از آنطرف هم باز گذاردن دست نیروهای امنیتی و نظامی خود برای کشتار معترضین و فعالین جنبش های اجتماعی، در واقع، آخرین روزهای حیات ننگین و نکبت بارش را به تجربه نشسته است. و از اینروست این همه

هذیان گویی و پریشان حالی و متوسل شدن به سیاست باصطلاح جراحی اقتصادی و "از این ستون به آن ستون فرج است!" تمام این تقلاها و تناقض گویی ها و سردرگمی ها، بطور واقعی ناشی از ترس و وحشت این باصطلاح مقامات است از تغییر و تحول بنیادینی که در شرف تکوین است. آ انقلاب زیر و رو کننده ای که قرار است یکبار برای همیشه این حکمرانان اسلامی و آدمکش و چپاولگر را به زیاله دان تاریخ بسپارد و سرنوشت جامعه و زندگی مردم را به دست خود آنها بسپارد. و باید اضافه کرد؛ وقتی ذهنیت حاکمان به احساس خطر و نابودی نزدیک می شود، ذهنیت رنج دیدگان و محنت زدگان قبل از آن به احساس و درک سرنگونی و انقلاب تغییر یافته است. وزن نیروهای اجتماعی معترض به لحاظ سیاسی و اجتماعی هر روز افزایش می یابد و برای حکومت رانان چاره ای جز هذیان گویی و متوسل شدن به آخرین حربه ها برای تداوم حکمرانی شان باقی نمی ماند.

جمهوری اسلامی با اعمال باصطلاح سیاست "جراحی اقتصادی" دولت ابراهیم ریسی

و تحمیل فقر و سیه روزی هرچه بیشتر به مردم و بالا کشیدن حاصل یک عمر رنج و تلاش بازنشستگان و معلمان و کارگران و از آنطرف هم، تلاش برای افزایش اختیارات نیروهای مزدور و سرکوبگر و آتش به اختیار خود برای شلیک آزادانه و کشتار مردم معترض و بجان آمده، در واقع، فقط و فقط استیصال و درماندگی و وحشت عمیق خود را از آن انفجار بزرگ و تعیین تکلیف کننده، به نمایش گذاشته و جنگ علنی و رو در رو خود را با توده مردم، کارگران، معلمان و بازنشستگان اعلام کرده است. چنین ساز و کار ورشکسته و به بن بست رسیده ای به آخر خط رسیده و به سیم آخر زده است. این تکاپوها دم دست ترین انتخاب های حکومتی دزد و سرنگونی محتوم خود را چند صباحی عقب بیاندازند. وحشت و رجزخوانیها و دستگیریها و پرونده سازیهای جاسوسی برای فعالین کارگر و معلم و امثال این توطئه های کثیف از اینجا ناشی میشود که می دانند آتشی که زیر خاکستر است، به تمامی حکومت دزدان و جنایتکاران سرمایه مدار مذهبی و غیرمذهبی در ایران خاتمه خواهد داد. این مهم چندان دور نیست!

فراخوان شرکت در آکسیونهای روز ۲۰ ژوئن روز آزادی تمام زندانیان سیاسی!

و بهر شکل ممکن صدای زندانیان در بند باشند و برای آزادی آنها بهر طریق ممکن بکوشند.

امسال نیز این کمیته در حمایت از مردم معترضی که به خیابان آمدند تا مطالبات برحقشان را فریاد بزنند ولی با دستگیری، زندان و شکنجه پاسخ گرفته‌اند، همه سازمانها و مردم آزادیخواه را فراخوانده است تا در هر کجا که هستند و بهر نحو ممکن در کنار خانواده این عزیزان ایستاده، از آنها حمایت کنند و همصدا با آنها شعار "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" را با صدای هر چه رساتر فریاد بزنند.

کمیته خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران از این

روز ۲۰ ژوئن برابر با ۳۰ خرداد روز جهانی مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی در ایران، به روزی شناخته شده تبدیل شده است. هر ساله در این روز فراخوانهایی از طرف "کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی" به تمام سازمانها و نهادهای مترقی و آزادی خواه داده میشود تا با برپائی تجمعات، کنفرانسها، میزگردها،

۳۰ خرداد ۱۴۰۱ - ۲۰ ژوئن ۲۰۲۲
روز جهانی در حمایت از زندانیان سیاسی در ایران

تقدارید قلبشان از طیش باز ایستد



محروم کردن زندانی از درمان اعدام خاموشی زندانی است

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی
www.cfppi.org

در حمایت از اعتراضات مردم در ایران
اعتراضی به سرکوب و زندان و به طور ویژه اعتراضی به نقابهای خاموشی
در زندانها که توسط محرومیت عمده زندانی از درمان صورت میگیرد

تورنتو - کانادا

تخصن سه روزه
تاریخ: ۱۸ ژوئن ۲۰۲۲
مکان: در محل بلازای ایرانیان
شماره تماس: سهیلا دالوند
۰۰۱۶۱۳۸۵۰۴۹۲۹

ونکوور - کانادا

تاریخ: ۱۸ ژوئن، از ساعت ۴ تا ۱۱ بعد از ظهر
2680 Dunsmuir Ave, Cumberland, BC
شماره تماس: فیهه صادقی
۰۰۱۶۰۴۷۶۳۱۴۴۶

دنهانج - هند

تخصن یک روزه
تاریخ: ۲۰ ژوئن، از ساعت ۱۰ تا ۶ بعد از ظهر
مکان: دنهانج
Plein 17A, 2511 CS Den Haag
شماره تماس: پاهره یزدانپناه
۰۰۲۱۶۸۲۰۱۶۳۷

استکهلم - سوئد

زمان: شنبه ۱۸ ژوئن ساعت ۱۴
مکان: مقابل سفارت جمهوری اسلامی
پو: کرار کزننده
کمیته بین المللی علیه اعدام
وکمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی
شماره تماس: هر مز رها
۰۰۴۶۷۲۷۸۹۶۵۰۵

فرانکفورت - آلمان

زمان: دوشنبه ۲۰ ژوئن ساعت ۱۵
مکان: زوبه بروی کسولگری ایران
Raimund Straße 90
شماره تماس: امین کمانگر
+۴۹۱۶۲۷۵۶۲۱۹

از شما دعوت میکنیم که در این تشریح کرده و صدای زندانیان سیاسی و خانوادههایشان را به گوش دنیا برسانیم

فراخوان قویا حمایت کرده واز همه مدافعین آزادی دعوت میکند که در تجمعات و تظاهراتی که بدین مناسبت برپا میشود شرکت نموده و بهر

طریق ممکن صدای آزادیخواهان در بند را بگوش جهانیان برسانند. درب زندانها را به نیروی مبارزه و اعتراض باز خواهیم کرد. کمیته خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران ۱۴ ژوئن ۲۰۲۲

معلمان زندانی باید فوری و بدون قید و شرط آزاد شوند

بنا به فراخوان شورای هماهنگی معلمان روز پنجشنبه ۲۶ خرداد تجمعات معلمان در بیش از بیست شهر در سراسر کشور برگزار شد. در کردستان نیز معلمان در شهرهای مریوان، سنندج، سقز، دیواندره، بوکان و بیجار دست به تجمع زدند. نیروهای امنیتی و اطلاعاتی در وحشت و هراس از این تجمعات فضایی کاملاً نظامی و امنیتی ایجاد کردند. در شهر سقز با استفاده از هلی کوپتر بر فراز محل تجمع معلمان ظاهر شدند. در جریان تجمع معلمان در سنندج که با فضای شدید امنیتی روبرو شده بود چهار نفر بازداشت شدند.

علیرغم همه این فشارها معلمان تجمعات اعتراضی خود را برگزار کردند و با در دست داشتن پلاکاردها و بنرهایی با عکس هایی از معلمان زندانی و مطالبات خود، خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط معلمان زندانی شده و بر مطالباتشان مبنی بر "تحصیل رایگان برای کودکان"، "برچیده شدن احکام ظالمانه علیه معلمان"، "تدریس آموزش به زبان مادری به صورت رسمی در مدارس" و "همسان سازی و افزایش حقوق" تاکید کردند.

لازم به ذکر است که روز چهارشنبه ۲۵ خرداد یعنی یک روز قبل از این تجمع سراسری، بیش از ۲۰ نفر از معلمان و فعالین در شهرهای سنندج، دیواندره و سقز پس از احضار به اداره اطلاعات توسط این نهاد امنیتی بازداشت شده‌اند. بنا به اخبار منتشر شده ۱۸ نفر از معلمان از اعضای انجمن

صنفي معلمان کردستان بخش سقز- زوبیه می باشند که پس از احضار به اداره اطلاعات سقز بازداشت شده‌اند. اسامی ۱۷ نفر از آنها از این قرار است: "آوات رضوی، مرضیه طلایی، فاتح غفاری، طاهر قادرزاده، خالد عبداللهی، محمد فتاحی، انور فرج زاده، صلاح حسینی، طاهر حامدی، زاهد مرادی، سلیمان عبدی، عزیز مرزی، صلاحی سرخی، لقمان الله مرادی، احمد قادری، کیوان احمدی و خالد شیخی". تا کنون خانواده های بازداشت شدگان از سرنوشت و محل نگهداری آنان اطلاعی در دست ندارند.

روز چهارشنبه همچنین پنج نفر از اعضای انجمن صنفی معلمان دیواندره به نام‌های، کاوه محمدزاده امید شاه‌محمدی، عثمان رضایی، هیوا قریشی و پرویز احسنی پس از احضار به اداره اطلاعات این شهرستان

بازداشت شده‌اند. از سوی دیگر و هم‌زمان، مریم احمدی و رضا الیاسی از اعضای هیئت مدیره انجمن صنفی معلمان بخش سنندج و کلاترزان، بها ملکی، جبار پاکزاد و فاتح اسدی از معلمان و فعالین سنندج عصر چهارشنبه به اداره اطلاعات این شهر احضار و بازداشت شدند که پس از چهار ساعت بازجویی و اخذ تعهد کتبی مبنی بر عدم شرکت در تجمع اعتراضی روز پنجشنبه آزاد شده‌اند.

مردم مبارز شهرهای کردستان!

حکومت اسلامی با تحمیل فقر، ناداری و گرسنگی بر مردم، در مقابل حق خواهی معلمان، کارگران و دیگر بخشهای مختلف جامعه، پاسخی جز تهدید، دستگیری، زندان و ایجاد فضای امنیتی و نظامی ندارد. فضای انفجاری جامعه و خشم و تفر روز افزون مردم از

حکومت، هر روز افزایش پیدا می کند. این شرایط فلاکت بار دیگر برای معلمان، بازنشستگان، کارگران و تمامی بخشهای مختلف مردم قابل تحمل نیست باید با تمام توان در مقابل فقر و گرانی و دستگیری ها و کل جنایات هر روزه حکومت علیه مردم به میدان باییم و خواهان آزادی معلمان زندانی و خواهان عملی شدن تمامی مطالبات خود شویم. با تجمع و تحصن و اشکال مختلف اعتراض خواهان آزادی بدون قید و شرط معلمان زندانی شویم. معلمان زندانی و همه زندانیان سیاسی باید فوری و بدون قید و شرط آزاد شوند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران ۲۶ خرداد ۱۴۰۱ ۱۶ ژوئن ۲۰۲۲

سرنگون باد جمهوری اسلامی

آزادشان کنید!

FREE THEM NOW



30 TEACHERS ARE IN JAIL - MORE TEACHERS ARE UNDER PERSECUTION IN IRAN



65 TEACHERS ARE ON JAIL 36 OF THEM WERE ARRESTED ON JUNE 16, 2022

اسامی معلمان بازداشتی فتنی: اسماعیل عیدی، اسکندر لطفی، رسول بدایقی، محمد تقی فلاحتی، محمد حبیبی، جعفر ابراهیمی، مسعود نیکخواه، شعبان محمدی، مرگن باقری، هاله صفرزاده، محمد علی زحمتکش، علیرضا غلامی کندازی، اصغر امیرزادگان، محمد عالیپورنندی، حمید عباسی، ناصر موسوی، ابرج رحمان، عبدالرزاق امیری، مهدی فتی، بهنام محمدی، چپار دوستی، هاشم خواستار، جواد لعل محمدی و محمدحسین سپهری، معصومه عسکری، ناهید فتحعلیان، زینب مهرنگ، نصرت بهشتی، عالیله اقدام دوست، عباس واحدیان

اسامی بازداشت شدگان ۲۶ خرداد ۱۴۰۱: محمودصدیقی پور، عزیزفاسم زاده، جواد سعیدی، انوش عابدی و دو معلم دیگر در گیلان، خالد عبداللہی، محمد فتاحی، سلیمان عیدی، عزیز مرزی، احمد قادری، کیوان احمدی، حسین محمدی، لقمان اله مرادی، خالد تکیانی، انور فرج زاده، صلاح‌الدین حسینی، قادر بزری، مرضیه طلائعی، زاهد مرادی، آمانج امینی، انور لارج زاده، نازات رضوی، اسماعیل ریجانی (انجمن صنفی معلمان، خردستان سبز و زوبیه)، ستار زارعی، سیدمجیدی ابطی، روح الله قدیمی، محمدحسین مصطفی، سیوان سلیمانی، آرام قادری، هیوا قریشی، کاوه حسن سعیدی

20 WORKERS ACTIVISTS ARE IN JAIL AND MENYMORE UNDER PERSECUTION IN IRAN



All jailed teachers and workers activists must be released immediately

CAMPAIGN TO FREE JAILED WORKERS IN IRAN

ISLAMIC REGIME OF IRAN OUT OF ILO

در حمایت از ۲۰ ژوئن روز جهانی حمایت از زندانیان سیاسی در ایران کمپین برای آزادی کارگران زندانی این روز را گرامی میدارد

۲۰ ژوئن روز جهانی حمایت از زندانیان سیاسی است. کمپین برای آزادی کارگران زندانی (FTN) در حمایت از این روز مهم اعتراضی، از همه تشکلهای کارگری و نهادهای اناسندوست در سراسر جهان انتظار دارد که همبستگی خود را از کارگران و معلمان زندانی و علیه سرکوبگری های حکومت اسلامی در قبال مبارزات بر حق مردم در ایران اعلام کنند و به هر شکل که میتوانند در آکسیون های اعتراضی ای که علیه حکومت اسلامی سرکوبگر در شهرهای مختلف برگزار میشود شرکت کنند و پیام همبستگی دهند.

با گسترش اعتراضات بخش های مختلف کارگری در ایران بویژه اعتراضات معلمان و بازنشستگان در پیشاپیش اعتراضات مردمی علیه فقر و فلاکت روز افزون، جمهوری اسلامی بر سرکوبگری هایش شدت داده است. از جمله بر شمار اعدام ها شدت داده و سرکوب مبارزات کارگری و مردم معترض را تشدید کرده است. از همین رو وضعیت در ایران اضطراری است و زندانیان سیاسی نیاز به وسیعترین حمایت های بین المللی دارند. در این اوضاع و احوال تشدید سرکوبگریها علیه فعالین کارگری و معلمان به حد خطر آفرینی رسیده است.

یکی از موارد آن بازداشت واله زمانی از فعالین شناخته

اسلامی بلند کنیم و خواستار آزادی تمامی زندانیان سیاسی شویم. واله زمانی و رضا شهابی بویژه باید فوراً و فوراً آزاد شوند و تحت درمان و کنترل پزشکی قرار گیرند. جمهوری اسلامی نماینده مردم ایران نیست. جمهوری اسلامی، حکومت سرکوب، زندان، شلاق و اعدام است. ما خواهان بایکوت جهانی رژیم اسلامی و اخراج آن از سازمان جهانی کار و دیگر نهادهای بین المللی هستیم. کمپین برای آزادی کارگران زندان شهلا دانشفر

shahla.daneshfar2@gmail.com

http://free-them-now.com

16 ژوئن 2022

دیگر بازداشت شدند. قبل از آن نیز حدود ۳۰ معلم در زندان بودند. بعلاوه در حال حاضر بیست فعال و مدافع حقوق کارگر در زندان هستند. این ارقام و امار به روشنی نشان میدهد که در ایران چه میگذرد.

هم اکنون جان واله زمانی و رضا شهابی بویژه در خطر است و جمهوری اسلامی مسئول مستقیم جان آنهاست. اجازه ندهیم که بار دیگر در زندانهای ایران جنایتی دیگر نظیر قتل بکتاش آبتین رخ دهد. با اعتراض وسیع مقابل این جنایتها و سرکوبگری های حکومت با سیستم.

۲۰ ژوئن روز اعتراض برای آزادی زندانیان سیاسی، بهترین فرصت است که صدای اعتراض خود را علیه جنایات و سرکوبگری های حکومت

بازدهم اردیبهشت تا کنون برای اعتراف اجباری به جاسوسی تحت بازجویی و شکنجه قرار داشته اند. این دستگیریها بدنبیل بازداشت دو تبعه فرانسوی به اسامی سیسل کولر و ژاک پاری که به اتهام جاسوسی بازداشت شدند و خود از اعضای اتحادیه بین المللی معلمان هستند، صورت گرفته است.

در اعتراض به ادامه این بازداشت ها اسکندر لطفی و رضا شهابی ناگزیر به اعتصاب غذا دست زده اند و وضعیت جسمانی رضا شهابی خطرناک گزارش میشود.

در اعتراض به این سرکوبگریها و برای پیگیری مطالباتشان معلمان در بیست و ششم خرداد ماه تجمع سراسری دیگری داشتند که در ارتباط با این تجمعات نیز ۳۶ معلم

شده کارگری است که از نهم خرداد ماه بازداشت و تحت بازجویی فشرده قرار داشته و بعد از دو هفته دستگیری تازه خبر انتقال او به بند انفرادی ۲۴۰ را خانواده اش داده اند. واله زمانی بدلیل ابتلا به بیماری خطرناک هپاتیت C اکنون جانش در خطر است و به گفته پزشکان این بیماری میتواند به از کار افتادن کامل کبد و مرگ او منجر شود. مورد دیگر رضا شهابی از اعضای هیات مدیره سندیکای شرکت واحد است که در جریان پرونده سازی و سناریو سازی رسوای وزارت اطلاعات همراه با ۴ معلم به اسامی اسکندر لطفی، رسول بدایقی، مسعود نیکخواه و شعبان محمدی و نیز حسن سعیدی یکی دیگر از کارگرن شرکت واحد و آبتشا اسداللهی و کیوان مهندی از فعالین کارگری دستگیر شده است. این دستگیر شدگان از



FREE THEM NOW

Valeh zamani was arrested, Free Valeh zamani



ISLAMIC REGIME OF IRAN OUT OF ILO

CAMPAIGN TO FREE JAILED WORKERS IN IRAN

واله زمانی چهره
محبوب کارگری
دستگیر شد
جان واله در خطر
است

بنا بر خبر منتشر شده در مدیای اجتماعی واله زمانی از فعالین کارگری شناخته شده و کارگر شاغل در نفت که بدلیل شرکت در اعتصابات سراسری این کارگران در سال گذشته اخراج شده بود در تاریخ ۹ خرداد ماه توسط نهادهای امنیتی حکومت اسلامی بازداشت شده و پس از سه روز به بند ۲۴۰ زندان اوین منتقل شده است. او هم اکنون در سلول انفرادی به سر میرسد.

در این رابطه برادر او صابر زمانی امروز در اینستاگرام خود ضمن گزارش این خبر ابراز نگرانی کرده و مینویسد: " برادرم واله زمانی، فعال کارگری، در تاریخ ۹ خرداد ماه در ارومیه از طرف نهادهای امنیتی بازداشت شده و پس از ۳ روز به بند ۲۴۰ زندان اوین منتقل شده و هم اکنون در انفرادی به سر میرسد. با توجه به بیماری حاد کبدی وی و عمل جراحی که اخیراً داشته، سلامتی ایشان به شکلی جدی در خطر بوده و نیازمند پیگیری روند درمانی هستند. لذا مسئولیت هرگونه آسیبی به ایشان متوجه جمهوری اسلامی بوده و از تمام نهادهای حقوق بشری و کارگری خواهشمندم که صدای واله زمانی باشند. ایشان به دلیل سالها کار در مراکز نفتی در عسلویه به بیماریهای ریوی و معده مبتلا بوده و پس از عمل جراحی، به دلیل آلودگی بیمارستان، به بیماری حاد کبدی نیز مبتلا شده‌اند و در صورت عدم درمان، احتمال از کار افتادن کامل کبد وجود دارد. با این وجود، جنایتکاران رژیم، واله زمانی را در حالی که تحت درمان بود به زندان برده و در

با فشار به جمهوری اسلامی جلوی این جنایت را بگیرند.

واله زمانی تنها نمونه نیست. دستگیریهایی وسیع اخیر معلمان و پرونده سازیهای رسوای امنیتی برای آنها و قراردادنشان زیر بازجویی های فشرده و شکنجه و آزار نمونه دیگر در ماههای اخیر است. آنست که جریان دارد. در اعتراض به همین موضوع است که اسکندر لطفی معلم و رضا شهابی فعال کارگری نیز در اعتصاب غذا بسر میبرند. اسکندر لطفی از یازده اردیبهشت در اعتصاب غذا بسر میرد و رضا شهابی یکی دیگر از بازداشت شدگان سناریوی مسخره بازداشت های اخیر بدنبال بازداشت دو تبعه فرانسوی سیسل کولر و ژاک پاری که خود از فعالین اتحادیه بین المللی معلمان هستند، نیز در اعتراض به ادامه بازداشت خود در اعتصاب غذاست و با توجه به وضعیت بد جسمانی جاننش در خطر است. کمپین برای آزادی کارگران زندانی وضعیت واله زمانی و نیز رضا شهابی و اسکندر لطفی را اضطراری اعلام کرده و خواستار اقدامی فوری از

انفرادی تحت بازجویی قرار داده‌اند.

این در واقع کیفرخواست خانواده واله زمانی علیه اقدام جنایتکارانه جمهوری اسلامی است. کمپین برای آزادی کارگران زندانی خود را در نگرانی خانواده واله زمانی شریک میدانند و همصدا با برادر و خانواده وی از همگان میخواهند که صدای اعتراض خود را به این سرکوبگریهای جنایتکارانه بلند کنند. وضعیت واله زمانی یک نمونه از بلایی است که در محیط های نامناسب کار بر سر کارگران نفت و دیگر کارگران می آید و شرایطی غیر استاندارد و نا امن کاری شان را بازگو میکند. این موضوع باید به موضوع اعتراض همه کارگران نفت تبدیل شود. کمپین از تمام اتحادیه های کارگری و مراجع بین المللی میخواهد که نسبت به این عمل جنایتکارانه جمهوری اسلامی و بازداشت یک فعال کارگری آنها در شرایطی که با یک بیماری خطرناک دست و پنجه نرم میکند و تحت درمان است، عکس العمل فوری نشان دهند و

بردارد و با دخالتگری خود جلوی این جنایات را بگیرد و برای آزادی فوری این فعالین که وضعیت جسمانی نامناسبی دارند و همه زندانیان سیاسی تلاش کند.

حکومت اسلامی به دلیل زیر پا گذاشتن ابتدایی ترین حقوق کارگران و معلمان و مردم باید از سازمان جهانی کار و تمام نهادهای بین المللی اخراج شود.

شهلا دانشفر

Shahla.daneshfar2@g
mail.com

https://free-them-
now.com/

۲۵ خرداد ۱۴۰۱، ۱۵ ژوئن
۲۰۲۲

جانب تمام نهادهای کارگری، نهادهای بشر دوست از جمله عفو بین الملل و همه انسانهای آزادیخواه است. شما میتوانید در اشکال زیر صدای واله زمانی، رضا شهابی، اسکندر لطفی و همه زندانیان سیاسی در ایران باشید.

- به مقامات جمهوری اسلامی نامه دهید. عمل جنایتکارانه آنها را شدیداً محکوم کنید. به آنها اولتیماتوم دهید که اگر هر اتفاقی برای واله زمانی و رضا شهابی بیفتد حکومت اسلامی مسئول است و با خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط آنان شوید.

- به سازمان جهانی کار اخطار دهید که دست از مماشاتش با جمهوری اسلامی

**کارگر، معلم،
پرستار، بازنشسته،
دانشجو
اتحاد، اتحاد**

۵/۱/۱

ادامه اعتراضات بازنشستگان در چند شهر تجمع و راهپیمایی بیش از دو هزار بازنشسته در اهواز

امروز ۲۵ خرداد بیش از دو هزار بازنشسته تامین اجتماعی خیابان های اهواز را به صحنه اعتراض خود تبدیل کردند. بازنشستگان با شعار تا حق خود نگیریم هر روز همین بساطه بر تداوم مبارزاتشان تاکید داشتند. تجمع آنها مقابل استانداری و فرمانداری شهر برگزار شد و در حالیکه راهپیمایی میکردند شعار میدادند: "می جنگیم، می میریم، حقمون رو میگیریم" و "گرانی، تورم، بلای جان مردم"، "مفسد حیا کن، سیاستورها کن"، "نه مجلس، نه دولت،

نیستند به فکر ملت"، "رئیس دروغگو، حاصل وعده هات کو"، "مسئول بی لیاقت، استعفاء، استعفاء". شعارهای بازنشستگان بر فضای شهر طنین انداخته و در واقع صدای اعتراض همه مردم بود. راهپیمایی بیش از دو هزار کارگر در شهری چون اهواز که یکی از کانون های داغ اعتراضات است یک اتفاق مهم است. اشاره کنیم که معلمان نیز برای فردا ۲۶ خرداد فراخوان به اعتراض سراسری داده اند و در شهرهای مختلف به خیابان آمده و پیگیر مطالباتشان خواهند بود.

در این روز در دو شهر شوش و دورود نیز بازنشستگان تامین اجتماعی تجمع داشتند. در دورود بازنشستگان شعار مرگ بر رئیسی سردادند. در شوش جمع بزرگی از بازنشستگان مقابل تامین اجتماعی تجمع کردند و بعد با راهپیمایی شعار دادند:

"وعده و وعید چه خوب بود، اما همه اش دروغ بود". در حالیکه جمهوری اسلامی تلاش کرد با مطرح کردن بسته حمایتی به بازنشستگان میان صفوف آنها تفرقه ایجاد کند و اعتراضاتشان را عقب براند یا کاهش دهد، بازنشستگان اعلام کردند که ما صدفه نمیخواهیم بلکه ما حق و حقوقمان را میخواهیم. بازنشستگان تامین اجتماعی در تجمع شوش با شعار "بسته حمایتی نمیخواهیم، نمیخواهیم" پاسخ محکمی به حکومت دادند. بازنشستگان تامین اجتماعی اولتیماتوم داده اند که اگر مصوبه افزایش ده درصدی تحقیر آمیز حقوقها لغو نشود و به مطالباتشان پاسخ داده نشود یکشنبه تجمعات بزرگ سراسری خود را خواهند داشت. بعلاوه امروز ۲۵ خرداد جمع بزرگی بازنشستگان شبکه بانکی در

تهران در میدان ونک تهران، روبروی صندوق بازنشستگی بانکها تجمع داشتند و با شعار "وزیر بی لیاقت، استعفا، استعفا" خشم و اعتراض خود را به وضع بد معیشتی و گرانی ها فریاد میزدند. در این تجمع یگان ویژه سعی در پراکندن صف معترضین را داشت و بازنشستگان خشمگین با فریاد "بی شرف، بی شرف" آنها را عقب میزدند.

اعتراض بازنشستگان شبکه بانکی مثل اعتراض بخش های دیگر جامعه به سطح نازل حقوقها و سونامی گرانی است. بازنشستگان بانکی در اعتراض امروز خود خواستهایی را در جهت بهبود سطح دریافتی های خود عنوان کردند. از جمله به گفته آنها با توجه به قانون مدیریت خدمات کشوری از بهمن سال ۹۵ برای شاغلین بانکی و ۲۶ ماه تاخیر در تطبیق

حقوقهایشان با این مصوبه، آنها خواهان پرداخت فوری ما به التفاوت حقوقها برای این ۲۶ ماه تاخیر هستند. بعلاوه با توجه به افزایش ۵۰ درصدی حقوق شاغلین بانکها از تاریخ اسفند ۹۸ و انجام هفت ماه دیرتر این مصوبه برای بازنشستگان، آنها خواهان پرداخت مابه التفاوت ۷ ماه به بازنشستگان بانکها هستند. بعلاوه بازنشستگان بانکها خواستار این هستند که افزایش فوق العاده ویژه کارکنان بانکهای دولتی از ۳۰ درصد به ۵۰ درصد سقف امتیاز حقوق ثابت و فوق العاده های مستمر شامل آنها نیز بشود.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۵ خرداد ۱۴۰۱، ۱۵ ژوئن
۲۰۲۲



استعفای وزیر کار بی لیاقت و ادامه اعتراضات بازنشستگان

استعفای وزیر کار بی لیاقت و ادامه اعتراضات بازنشستگان

امروز ۲۴ خرداد زیر فشار اعتراض بازنشستگان و شعار سراسری "وزیر بی کفایت استعفا، استعفا"، عبدالملکی وزیر کار منفور دولت رئیسی استعفاء داد. این عقب نشینی بیش از پیش قدرت مبارزات بازنشستگان و اعتراضات کارگری را به نمایش میگذارد. جالب اینجاست که فشار اعتراضات بازنشستگان مجلس اسلامی و دولت را هم به جان هم انداخته است و مجلس اسلامی سراسیمه و با ژست دفاع از بازنشستگان به رئیسی اولتیماتوم داده که مصوبه افزایش ده درصدی را پس بگیرد. بازنشستگان همچنان پیگیر

مطالباتشان هستند و اخطار داده اند که اگر مصوبه افزایش تحقیر آمیز ده درصدی به حقوقها لغو نشود و خواستهایشان جواب نگیرد تجمعات بزرگ سراسری خود را برپا خواهند کرد.

بازنشستگان به اعتراضاتشان ادامه میدهند. روز ۲۴ خرداد بازنشستگان تامین اجتماعی در اهواز بار دیگر به خیابان آمدند. آنها دست به راهپیمایی زدند و با شعارهای "حسین، حسین، حسین، شعارشون، دروغ و دزدی کارشون"، "نگ ما، نگ ما، صدا و سیمای ما" فریاد اعتراضشان را بلند کردند.

در این روز بازنشستگان تامین اجتماعی در شوش نیز تجمع اعتراضی داشتند و شعار میدادند: "تورم صد درصد، افزایش ده درصد"، "نه مجلس، نه دولت، نیستند به فکر ملت"، "ظلم و ستم کافیه، سفره ما خالیه".

در کرمانشاه نیز بازنشستگان تامین اجتماعی با شعار "وعده، وعید، کافیه، سفره ما خالیه"، فریاد اعتراضشان را به وعده های پوشالی و فقر و بی تأمین بلند کردند.

گفتنی است که دو روز قبل عبدالملکی وزیر مستعفی کار در پست اینستاگرامی خود از اختصاص بسته های حمایتی ویژه بازنشستگان به دستور

رئیس خبر داده بود. در پاسخ به این گفته بازنشستگان نیز در گروههای مدیای اجتماعی در اعتراض به تبعیض ها و اختلاسها از اینکه بسته حمایتی برای مدیران و رده های بالای ادارات دولتی و خصوصی سفر به هتلها لاکچری و ویلاهای آنچنانی است، کارتهای اعتبایی چند ده میلیونی برای میل کردن غذا به همراه مهمان در گرانترین رستورانهاست

سخن گفته و اعلام کردند که بسیار خوب آنها نیز از بسته های حمایتی در کنار حقوق بالاتر از خط فقر استقبال میکنند و حقشان است. اما بسته حمایتی چندکیلو نخود و برنج مسموم ارزانی خودتان باشد!!

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۴ خرداد ۱۴۰۱، ۱۴ ژوئن
۲۰۲۲

فاشیسم، لمپنیسم و زن ستیزی طرفداران

سلطنت جای در اپوزیسیون ندارد!



محکوم کنند. ما به شعبان بی مخ ها و چماقداران فاشیست سلطنت اطمینان خاطر میدهم که جامعه ایران بسیار سیاسی تر، هوشیارتر و با فرهنگ تر از این است که چنین فضایی را تحمل کند. جامعه ای که با تمام قوا علیه لمپنیسم اسلامی قد علم کرده است اجازه نمیدهد چنین اخلاقیات بیشرمانه ای جایی در مبارزات آزادیخواهانه مردم علیه حکومت اسلامی پیدا کند.

حزب کمونیست کارگری

ایران

۲۳ خرداد ۱۴۰۱، ۱۳ ژوئن

۲۰۲۲

حکومت ایجاد میکنند.

حزب کمونیست کارگری

خواهان فضای هرچه آزادانه تر و انسانی تر در دیالوگ و گفتگو و نقد سیاسی ولو تند و آشتی ناپذیر در اپوزیسیون است. ما بشدت هرگونه لمپنیسم و زن ستیزی و خشونت و ارباب و تهدید کلامی از سوی برخی طرفداران سلطنت و یا هر جریان سیاسی دیگر را در فضای مجازی و واقعی محکوم میکنیم.

ما همه نیروهای سیاسی اپوزیسیون را فرامیخوانیم تا متحد و یکصدا لمپنیسم و زن ستیزی و قداره کشی اینترنتی را

اپوزیسیون و منتقدان سلطنت است. "سربازان گمنام امام زمان" و ماموران جمهوری اسلامی طبق معمول وظیفه دارند در کنار شعبان بی مخ های فضای مجازی ظاهر شوند و در فضایی که شاه الهی ها ایجاد میکنند به شیخ ترین و ضد انسانی ترین و فاشیستی ترین شکل کمونیست ها را مورد حمله قرار دهند و تشنج را میان اپوزیسیون و به نفع حکومت دامن بزنند. سران و رهبران "سامانه پادشاهی" و از جمله رضا پهلوی باید بدانند که تا زمانی که رسماً و صریحاً این لمپن ها و قمه کش های اینترنتی را محکوم نکرده و از خود دور نکنند عملاً میدانی برای مزدوران

سوی او سرازیر شد.

اینگونه رفتارها از سوی

برخی از مدافعان سلطنت در فضای مجازی را قبلاً هم شاهد بوده ایم اما در چند روز اخیر بویژه شدت گرفته است چندانکه حتی برخی فعالین راست هم از "شنیدن صدای پای فاشیسم" صحبت کرده اند.

واقعیت این است که این فحاشی ها از یکطرف نشانه درماندگی سیاسی این جناح اپوزیسیون است و از طرف دیگر جمهوری اسلامی برنده اصلی اینگونه حملات برخی هواداران سلطنت به دیگر شخصیت های

فاشیسم، لمپنیسم و زن ستیزی طرفداران سلطنت جایی اپوزیسیون ندارد!

روز گذشته در پی آنکه شیوا محبوبی، چهره سیاسی سرشناس و از رهبری حزب کمونیست کارگری، در توثیتی به نقد دیکتاتوری و سلطنت پرداخت، موجی از حملات فاشیستی و زن ستیزانه، مملو از خشونت کلام، لمپنیسم و کثیف ترین شکل مردسالاری در دفاع از سلطنت و رضا پهلوی به

Join us on the Day in Support of Political Prisoners in Iran
Support people's protests in Iran against suppression
Protest against imprisonment & torture of rights activists
Protest against intentional deprivation of political prisoners from treatment

Toronto-Canada

A three-day sit-in protest

Date: June 18-20

Location: In the place of Iranian Plaza
Contact number: Soheila Dalvand
00 1 6138504929

Vancouver - Canada

Date: June 18, from 11 a.m. to 4 p.m.
2680 Dunsmuir Ave, Cumberland, BC
Contact number: Fahimeh Sadeghi
00 1 6047631446

Den Haag-Netherlands

One day sit-in protest

Date: June 20, from 10 a.m. to 6 p.m.
Location: the Hague
Het Plein, 2511 CS Den Haag
Contact number: Bahereh Yazdanpanah
0031 684016307

Stockholm-Sweden

Date: June 20, from 14 p.m.

Location: in front of the Embassy of the Islamic Republic of Iran
Contact number: Hormoz Raha
0046737896505

Frankfurt- Germany

Date: June 20, from 15p.m.

Location: Vor dem iranischen Konsulat
Raimund Straße 90
Contact number: Amin Kamangar
0049 162 7569219

20 June
International Day
in Support of Political Prisoners in Iran

Don't Let Their Heartbeats Stop!



20 June 2022
is dedicated to & in support of prisoners
deprived of medical attention.
Campaign to Free Political Prisoners in Iran (CFPPI)
www.cfpfi.org



Join the protests & be the voice of political prisoners & their families

به مردم ایران در داخل کشور

به حزب کمونیست کارگری و کانال جدید کمک کنید

دو هفته قبل همه مردم آزاده در خارج و داخل کشور را به کمک مالی به حزب و کال جدید فراخواندیم. اینجا مورد خطاب ما مردم شریف در داخل کشور هستند. شما دوستداران حزب و تلویزیون کانال جدید، شما کارگران و بازنشستگان، معلمان و پرستاران، زنان، جوانان و دانشجویان، هنرمندان و نویسندگان شما مردم شریفی که برای رهایی از حکومت اسلامی در اعتراض هستید، شما که از شر دخالت مذهب در زندگی تان، از فقر و تبعیض و بیحقوقی و از ظلم و ستم هر روزه دزدان و جنایتکاران حاکم به تنگ آمده اید، فرامیخوانیم که حزب کمونیست کارگری را هر چه بیشتر تقویت کنید. این حزب همه شما است. حزب کمونیست کارگری. حزب کارگران و اقشار محروم جامعه علیه فقر و محرومیت و استثمار و نابرابری است. حزب زنان علیه تبعیض و بیحرمتی و حجاب اجباری است. حزب جوانان برای رفاه و شادی و عدالت اجتماعی است. این حزب نماینده شما برای سرنگونی حکومت گندیده اسلامی و نماینده تلاش و آرزوهای انسانی شما برای ساختن جامعه ای انسانی و آزاد و مرفه و بدون دخالت مذهب و آخوند در زندگی مردم است. کانال جدید، تلویزیون این حزب نیز صدای همه شما مخالفین حکومت است. کانال جدید صدای رسای اعتراض و اعتصاب هر روزه شما و تقویت کننده اتحاد و پیوستگی شما برای زیر و رو کردن جهنمی است که حکومت و مفتخوران حاکم بر جامعه حاکم کرده اند.

این حزب به کمک مالی شما مردم شریف و معترض نیاز مبرم دارد. تا بتواند فعالیت های خود را در داخل و خارج کشور گسترش دهد و برنامه های کانال جدید را متنوع تر و با قدرت بیشتری در اختیار بینندگان قرار دهد. هر مقدار که میتوانید به حزبتان کمک کنید. قدم جلو بگذارید و از دوستان و آشنایان مورد اعتمادتان بخواهید هر مقدار میتوانند کمک کنند. کمک ها را جمع آوری کنید و برای رساندن آن به حزب با شماره تلفن های زیر یا با دوستان حزبی تان در خارج کشور تماس بگیرید.

تلفن های تماس (واتس اپ، تلگرام، سیگنال):

سیامک بهاری: 0046739868051

بابک یزدی:

0014164717138

شهرلا دانشفر: 00447435562462

کیوان جاوید:

00447788988643

برای پرداخت کمک های خود میتوانید از طریق شماره حساب های زیر و یا از طریق تماس با تشکیلات های حزب اقدام نمایید.

سوآلی دارید میتونید با شماره های زیر تماس بگیرید:

تماس از خارج
سیامک بهاری: 0046739868051

از آمریکای شمالی:
بابک یزدی:
0014164717138

تماس از ایران
شهرلا دانشفر: 00447435562462

کیوان جاوید:
00447788988643

سوئد:

Sweden

Nordea Plusgironkonto: 4122379-3
Bankkontonummer: 9960264 1223793
IBAN: SE1095000099602641223793
BIC: NDENSESS

آلمان:

Germany

Name: M. Eli

Bankverbindung: Postbank
IBAN: DE86 1001 0010 0585 5421 23
BIC/SWIFT: PBNKDEFF

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

England

Bank: NatWest

Account holder: WPI